

علم النفس

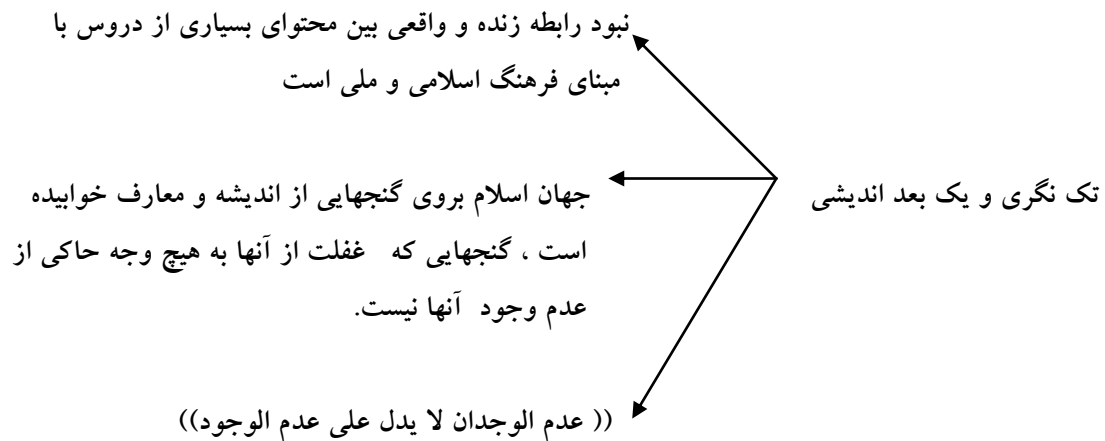
پیشرفت علم در جوامع دیگر ← جوامع اسلامی اسلامی ← علم النفس

فرانسوی ← آموزشی

جامعه شناسی ←

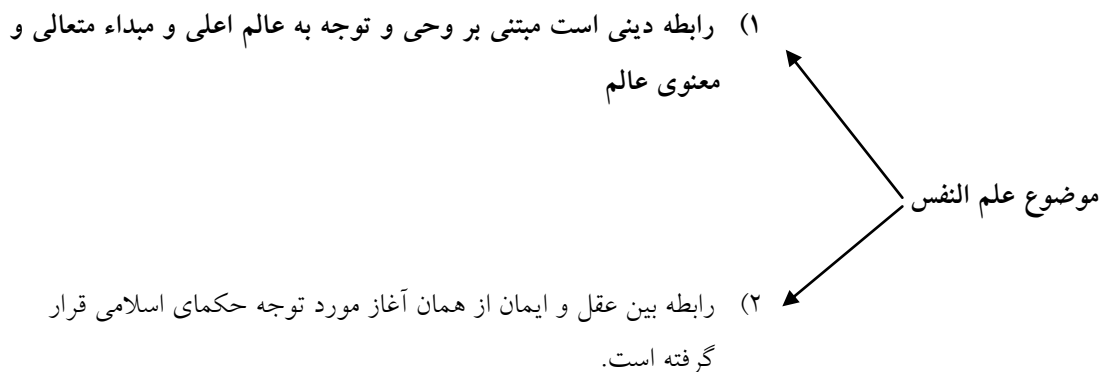
اقتصاد ← مارکسیسم

انگلستان ← هند و شبه قاره هند : اسپنسر



نکته : پایان یافتن علوم اسلامی ← توسط ابن رشد
آنکه سیر حکمت اسلامی در قرن ششم هجری به پایان نرسیده است و فلاسفه دیگر ، هر یک به نوبه خود بر گنجینه و دانش های اسلامی افزودند و بویژه آراء روان شناختی آنان در خصوص نفس و قوای آن ، از اشتباهی فراوان بر خوردار است .

نکته : از آنجایی که وحدت به کثرت می انجامد و عقل و عاقل و معقول باز شناخته می شود و از کثرت وحدت می زداید و همه چیز به سوی او باز می گردد. به کدام کل شیء ها لک الا وجه .



- ✓ هشت قرن بعد از کندی که برای اولین بار این مسئله مهم را مطرح کرده بود موضوع توسط صدر المتالیهین به بهترین وجهی با هماهنگی و وفاق کامل حل شد.
- ✓ میعاد گاه عقل و ایمان ← نقطه ای است که در آن دو طریق استدلال و اعتقاد دینی به هم می پیوندند . حکمت و معرفتی است که انسان را به کمال می رساند.

✓ همواره سنت عقلی و عملی فرایند ارزنده است که بر اساس گزینش آگاهانه و انتخاب راه بر پایه فهم و استدلال در متون اسلامی مورد توجه بوده است .

✓ آیه شریفه ← فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتعون الحسنه اولئک هدی هم الله و اولئک هم اولوالالباب

آنان که آراء و اقوال گوناگون را مورد نقد و بررسی قرار می دهند خود از هدایت شدگان اند و نیز آنان از خرد ورزان و خرد پیشگان اند .

تفکرات فلسفی : جستن و کنجکاوی دنیای درونی و بیرونی .از کنجکاوی جستن آدمی به هنگامی که متوجه دنیای بیرون خود شد ،علم زاید

تاریخچه علم: علم مواد بی جان : فیزیک و شیمی
علم مواد جاندار (آدمی) نفس ، روح ، روان.....

برای نفس : اینکه نفس جوهر است یا عرض
اینکه نفس حادث است یا قدیم

(۱) نفس به معنای جان و حیات حیوانی
* و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله

برای نفس چیزی نیست مگر آنکه بمیرد به اذن پروردگار
نکته : نفس همدیف جان است که مرگ برایش پایان و غایت است

(۲) نفس به معنای روان یا نفس انسانی آمده است
* و ذکر به ان تبسل نفس بما کسب.
و پند بده به آن نفس که آنچه کسب کند بدان گرفتار می شود.

(۳) نفس به معنای شخصیت شکل یافته و متعادل
* لا تکلف نفسا الا وسعها

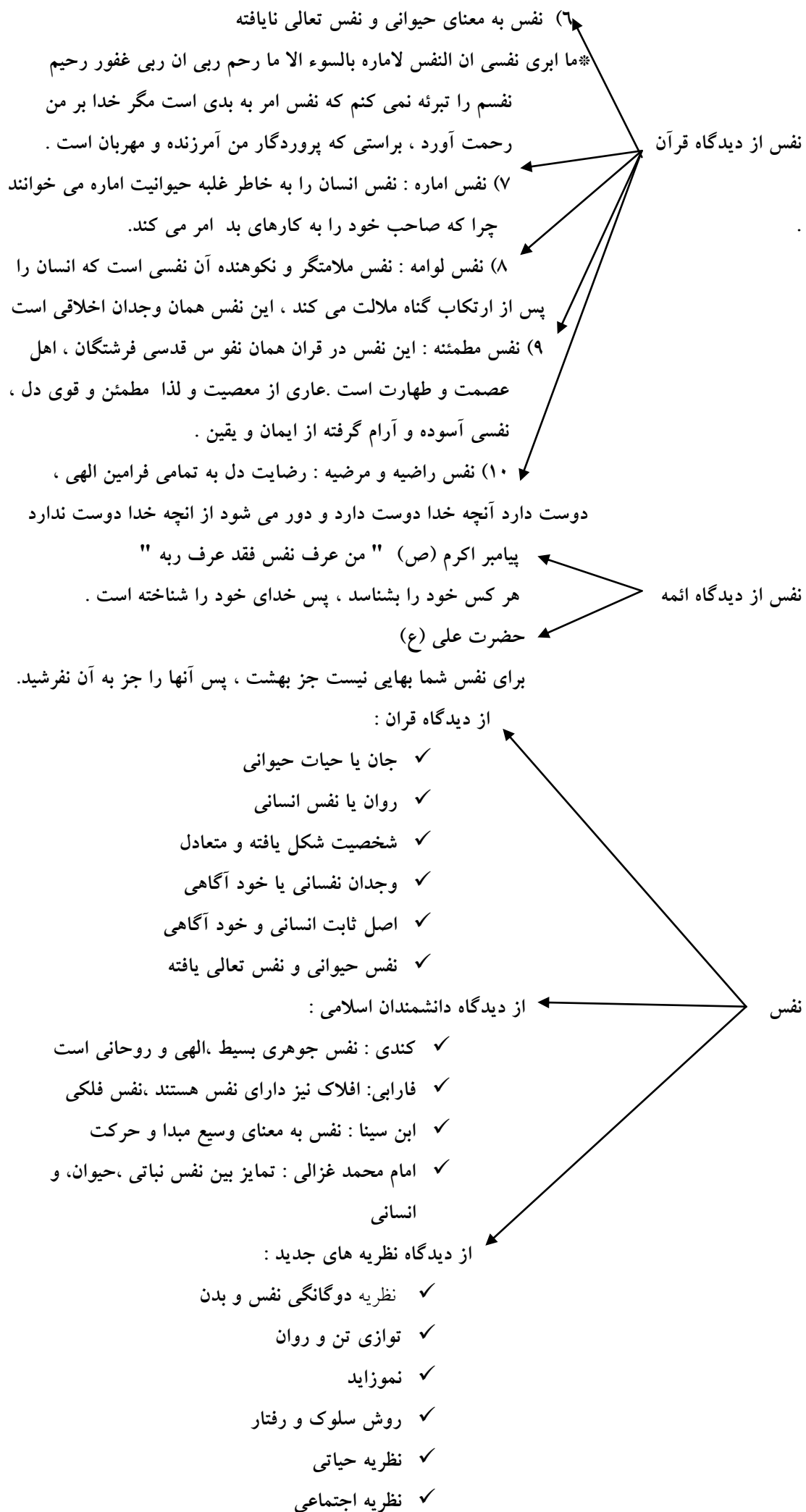
خدا هر کس را به اندازه ی توانایش تکلیف می دهد
نفس در این مرحله به تکامل رسیده است (به مرتبه ای از تکامل)

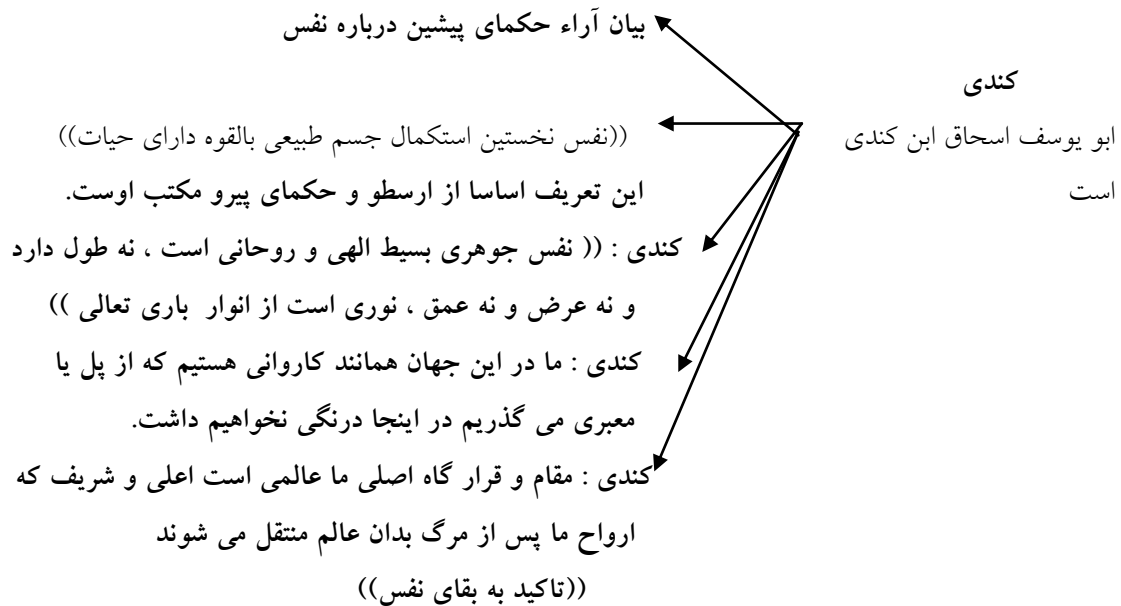
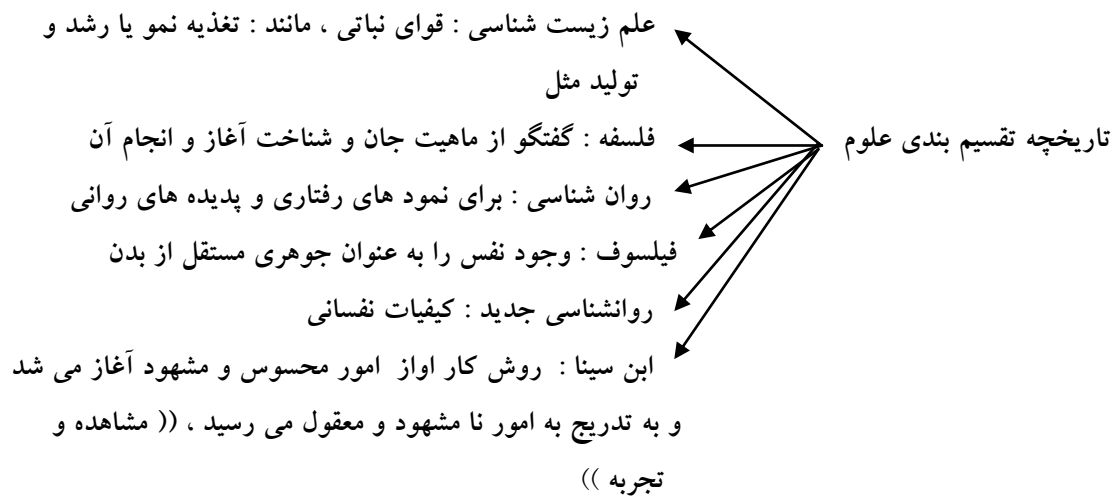
(۴) نفس به معنای وجدان نفسانی یا خود آگاهی
* کل نفس ذائقه الموت و نبلو کم بالشر و الخیر فتنه و الینا ترجعون
هر نفسی در عالم رنج و سختی مرگ را می چشد و در سیر زندگی با خوبی و بدیازمایش می شود و به سوی ما باز می گردد.

* علمت نفس ما قدمت و اخرت
هر نفسی می داند آنچه را از پیش فرستاده شده است و آنچه را که از پیش خواهد آمد.

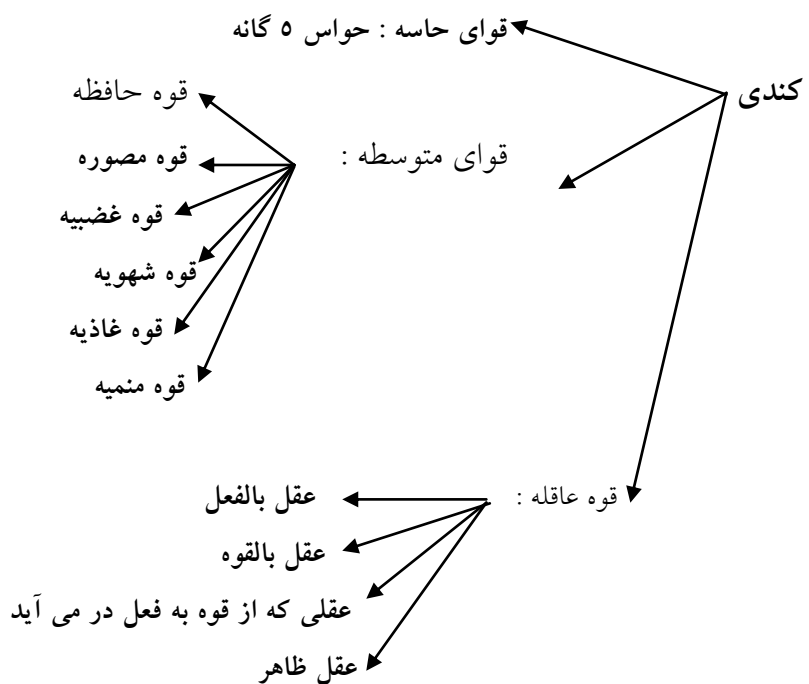
(۵) نفس به معنای اصل ثابت انسانی و خود آگاهی
* و نفس ما سوها فالهمها فجورها و تقویها

به نفس و آنکه او را متعادل و متکامل آفرید و در او بد کاری و پرهیزکاری الهام کرد





قوای نفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی



قوای حاسه

ابزار این قوه اعضای حواس پنجگانه است

قوه حاسه صور محسوسات را که در طینت آنها، یعنی در ماده آنها قرار دارد در می یابد.

این قوه قدرت آن را نیست تا صوری را که در می یابد با هم ترکیب کند.

قوه حاسه که میان همه ی حیوانات مشترک است، جز صور جزئی اشیا را در ک نمی کند

قوه حاسه چیزی جز نفس نیست و نسبت آن به نفس چون نسبت عضو به جسم نیست بلکه او خود ذاتا نفس است. حاس و محسوس در نفس یک چیزند.

قوای متوسطه :

قوه مصوره : قوه ای که صور جزئیات را بدون حضور ماده درک می کند

* فرق میان حس و قوه مصوره این است که حس صور محسوسات را در حالی که در ماده است و حضور دارند به ما القاء می کند در حالی که قوه مصوره، محسوسات را مجرد از ماده با شکل و همه کیفیات و کمیاتش به ما عرضه می دارد.

* خصوصیات این قوه آن است که قدرت ترکیب دارد.

قوای حافظه : صوری را که قوه مصوره به او ارزانی می دارد، می پذیرد و حفظ می کند.

کندی دو قوه غضبیه و شهویه را غلبیه می نامد.

قوای متوسطه ← غلبیه : قوه ای است که در برخی از اوقات آدمی را بر می انگیزد

* قوه غضبیه : نفس قوه غضبیه را از ارتکاب آنچه می خواهد باز می دارد

* قوه شهویه : آن قوه ای است که در پاره ای از اوقات انسان را به برخی از شهوات سوق می دهد.

* قوه غاذیه : آن قوه ای است که در مورد غذا و تغذیه بحث می کند.

* قوه نامیه : آن قوه ای است که رشد و تعالی نفس را بررسی می نماید.

قوه عاقله قوه ای است که صور اشیا را مجرد از هیئت آنها درک می کند. به عبارت دیگر درک انواع و اجناس می کند و نه اشخاص

قوه عاقله :

به نظر کندی عقل واحد است که در نفس بالقوه وجود دارد و آنگاه از قوه به فعل در می آید.

به فعلیت در آمدن نفس، خود تحت تاثیر معقولاتی است که آن معقولات همواره موجودیتی بالفعل دارند.

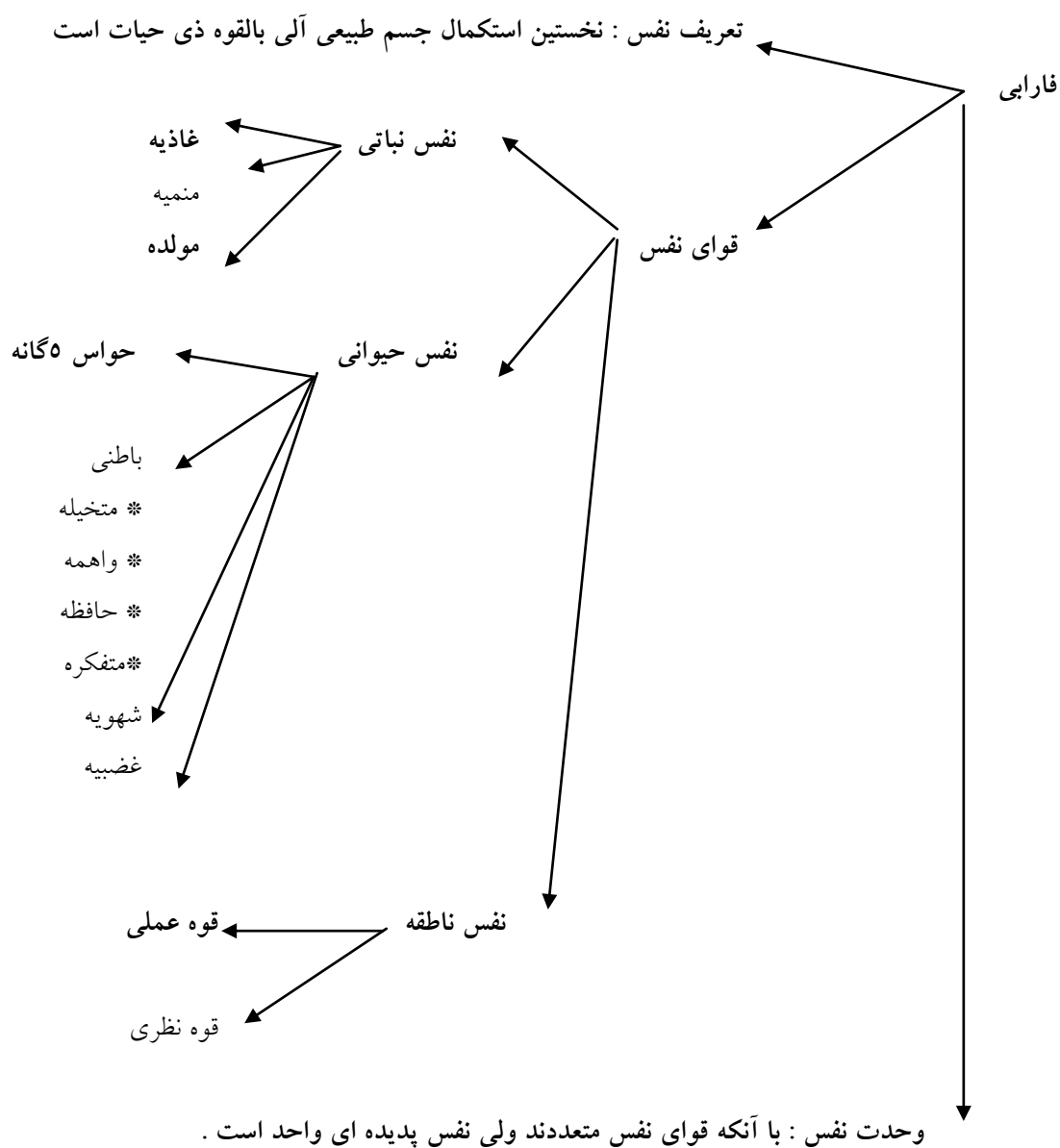
کندی معتقد است که نفس عاقل بالقوه است و تحت تاثیر عقل اول به فعلیت می گراید و چون صورت عقلیه با آن متحد شد نفس و صورت عقلیه یک چیز می شوند یعنی نفس

کندی

هم عاقل است و هم معقول . پس عقل و
معقول از جهت نفس ، شیء واحد است .

کندی معتقد است قوای نفس عبارتند از حس و عقل
که میان آنها قوای متوسط می باشد

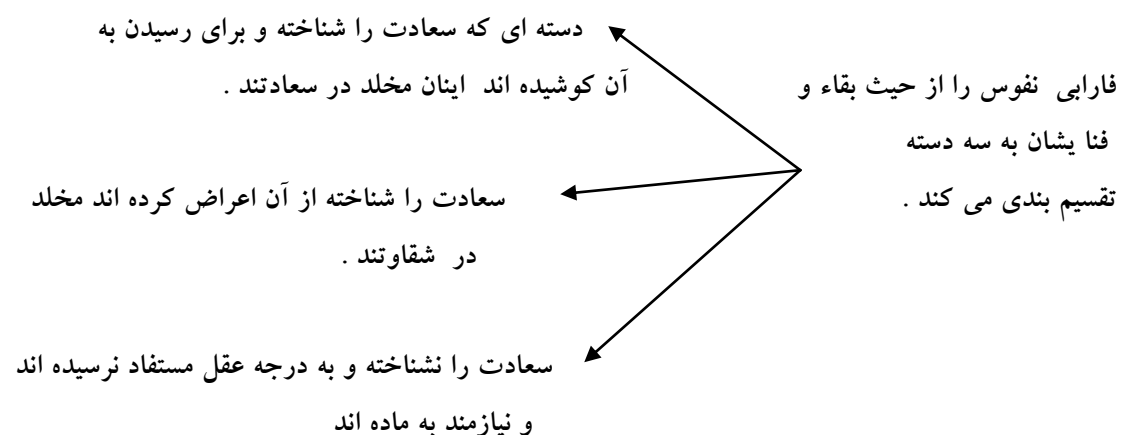
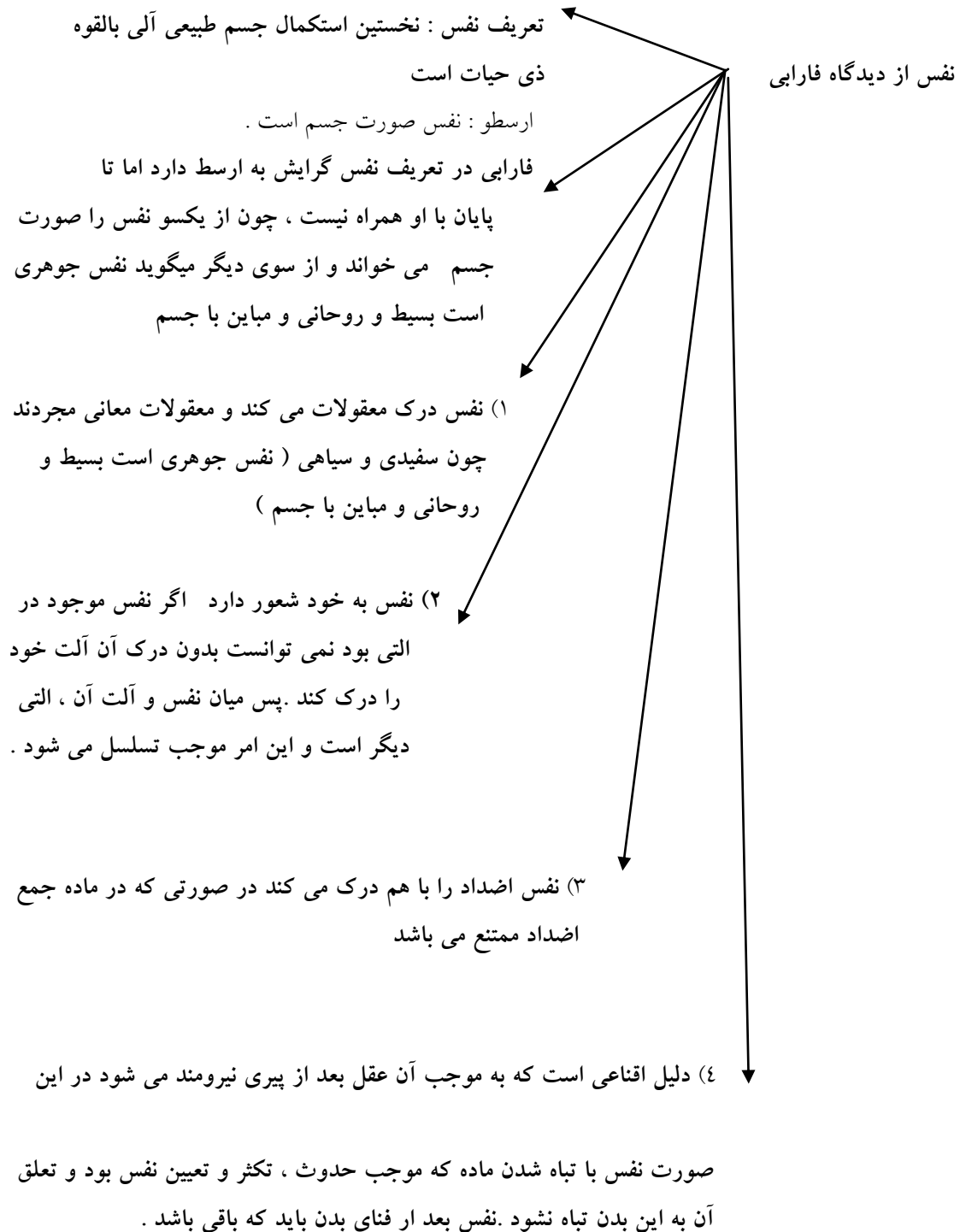
ابو نصر محمد ابن فارابی

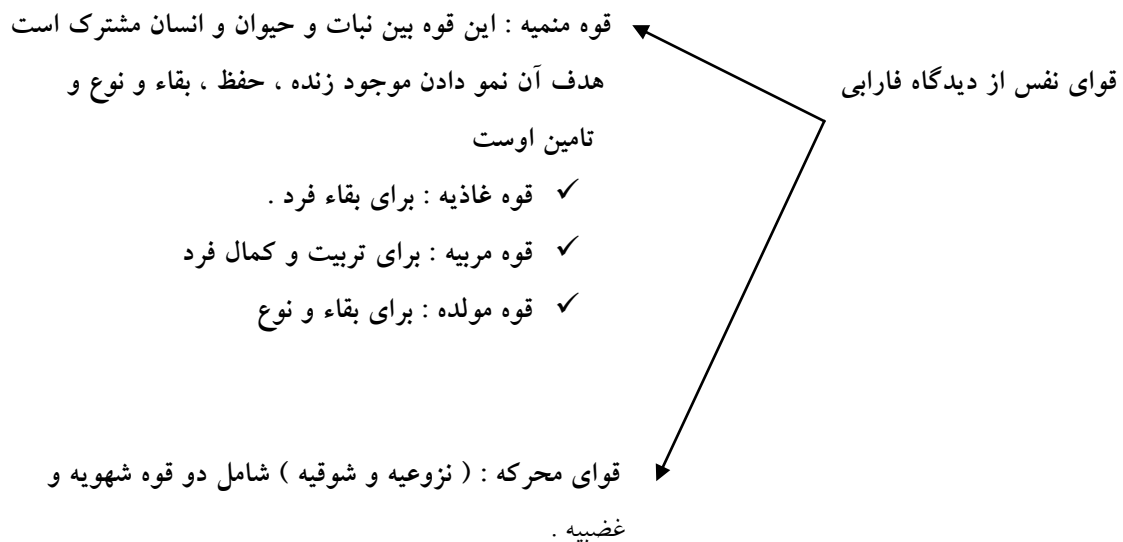


نکته : قوای نفس نباتی : قوه ی خدمتگذار

قوای نفس حیوانی : محرک اعضا هستند

عمل این قوا توسط اعضای مختلف (حواس پنجگانه) به فعل در می آید .

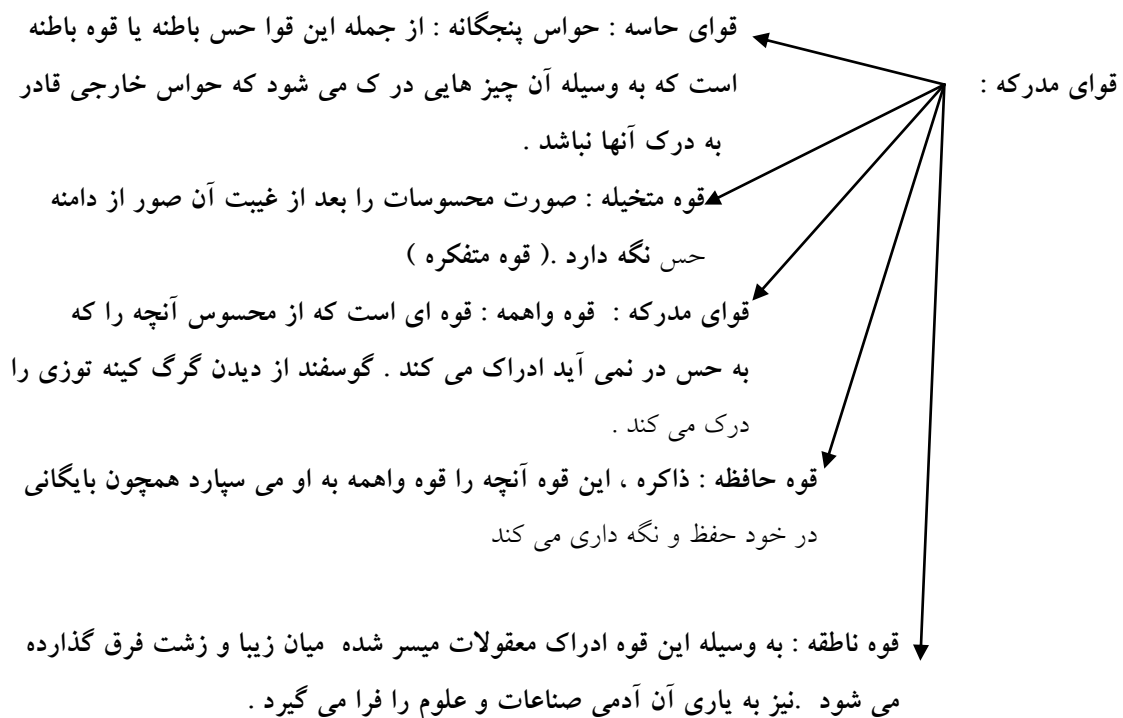


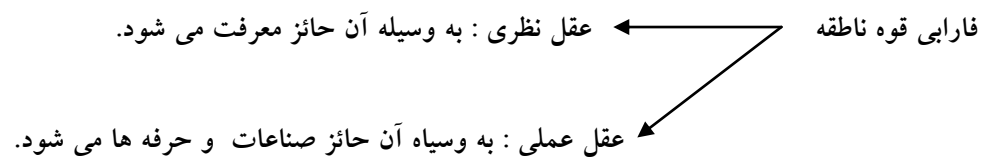


✓ قوای نزوعیه آن دسته از قوایی است که موجب انگیزش انسان به طلب شیء یا گریز از آن می شوند اشتیاق یا کراهت ، نزدیکی یا دوری از چیز ها را در انسان سبب می شود .

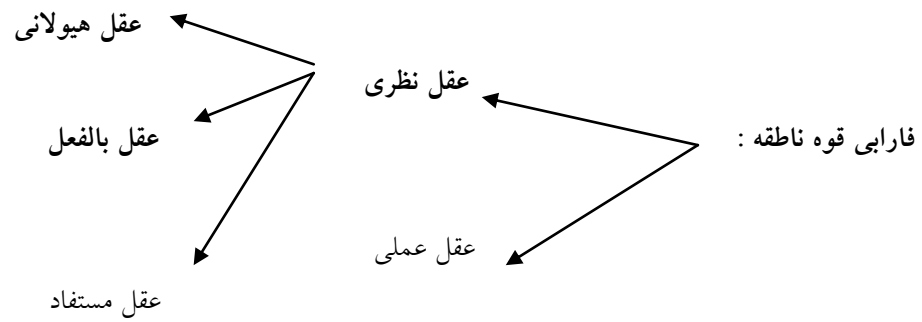
✓ حب و بغض ، دوستی و دشمنی و
از این قوا منشأ می گیرند . اراده نیز از این قوا سرچشمه می گیرد.
✓ قوه شهوانی : قوه ای است که به کمک آن جلب چیزهای نیک و سود مند کنند.

• قوه غضبیه: محتوایی که به یاری آن دفع مضرات و خسارات کنند

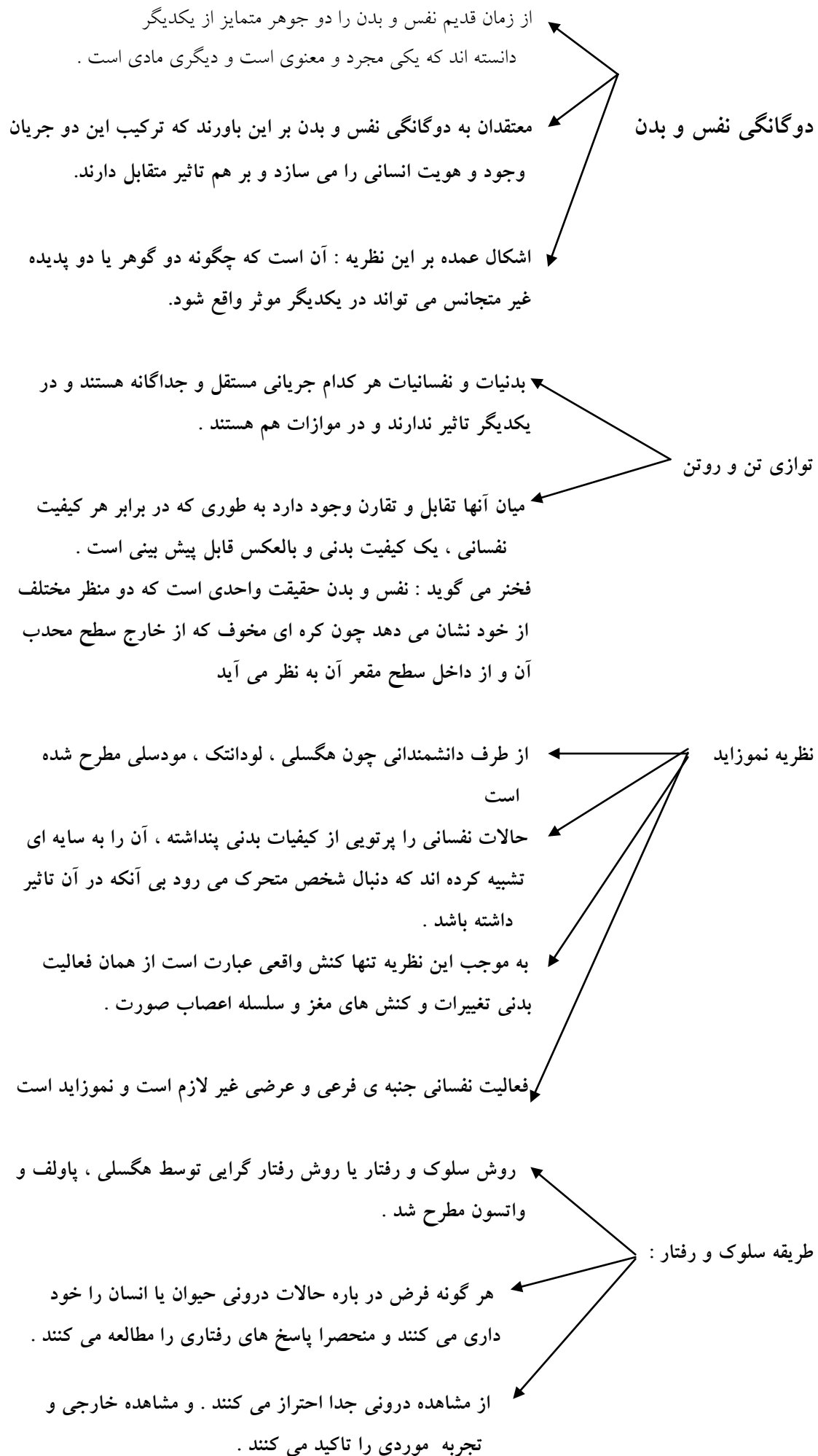




- نکته : اولین کسی که در باره عقل اظهار نظر کرده است ازسطو است . فارابی نظریه ای روشن و دستگاہی صحیح و منسجم بنا نهاده است . که بر فلسفه غرب و اسلام تاثیر ی فراوان بر جای گذاشته است .



نظریات جدید راجع به رابطه نفس و بدن



نظریه حیاتی

گروهی نفس را آلت و وسیله ای می دانند که موجود زنده برای انطباق با محیط و مخصوصا برای رفع نیازهای ضروری زندگی خود به کار میبرد .
برای هر فرد ، نخستین و اساسی ترین غرض زندگی نفسانی عبارت است از صیانت و حمایت ذات خویش .
زندگی و حیات عبارت است از سازگاری و تعادل که به طور مستمر میان موجود زنده و محیط او برقرار می شود .
به گفته ی هانری دولاکر : ما فکر خود را به کار نمی اندازیم مگر وقتی که مشکلی پیش آید .
کلا پارت می گوید : احتیاج است که ذهن را به فعالیت وا می دارد تا دوباره حالت سازگاری با محیط برقرار شود
نظریه حیاتی یکی از بهترین وجوه حل مشکل رابطه ی نفس و بدن محسوب می شود

نظریه اجتماعی

طرز فکر و اصول اخلاقی و معتقدات دینی و آداب و رسوم را محیط اجتماعی ، بی آنکه افراد خود متوجه آن باشند ، به آنان تحمیل می کند جامعه فقط مجموعه ساده و بی رنگپ از افراد نیست بلکه ترکیبی است اصیل و واقعی ، مستقل و ممتاز ، دارای روح مخصوص ، که با روح افراد تفاوت تام دارد .
روح اجتماعی یا روح گروهی با خصوصیات و ویژگی های خود از پیش ، قبل از افراد موجود بوده و بعد از آنها نیز باقی می ماند و بر آنها تحمیل خواهد شد
مدافع بزرگ نظریه اجتماعی امیل دورکیم : حکیم و جامعه شناس فرانسوی معتقد است همه ی استعداد های نفس انسان ، حتی عالیتین آنها مانند هوش ، عقل و اراده زاده و پرورش یافته ی جامعه است
دانشمندی همانند تارد جامعه شناسی را ضمیمه و دنباله ی روان شناسی محسوب می داند

✓ روان شناسی جدید هم عامل حیاتی و هم عامل اجتماعی و بدنی را در چگونگی کیفیات نفسانی موثر و دخیل می داند

اراء جدید در مورد عقل و مبادی آن :

✓ حکما و دانشمندان جدید تفکیک حس و عقل را جایز ندانسته و حصول علم را نتیجه هردومی دانند .

گروه اول معتقدند نفس و عقل (نفس ناطقه) آلتی را ماند که کارش سازگار کردن انسان با مقتضیات زندگی است

معتقدان به رابطه
متقابل

زندگی ما را وادار می کند در موارد مختلف کردار واحد داشته باشیم و در ما ایجاد عادت می کند .

هانری برگسن به احتیاجات فنی و صنعتی بشر اهمیت داده و آن را مبادی

عقلی می داند و می گوید فکر منطقی و معقول زاده صنعت است

عالی ترین کمال مطلوب برای قوه ی فهم ما صنعت است

ویلیام جیمز و پیروان اصالت عمل (پراگماتیسم) فکر و عقل را تابع عمل قرار دادند

و می گوید : غرض ابتدایی و اصلی از زندگی عقلی صیانت فرد و دفاع از اوست .

باید گفت هر چه نافع است حقیقت است ولی به شرط آنکه موضوع مورد توجه از تمام جهات نافع باشد

گروهی معلومات اولیه و مبادی عقلیه را ناشی از هیئت اجتماعی می پندارند و عوامل اجتماعی را در درجه اول قرار می دهند

چگونگی کسب معرفت در روانشناسی جدید

✓ روان شناسی به مفهوم علمی و امروزی خود : روش مشاهده و تجربه را اساس کار خود قرار داده است .

✓ شناخت ، داوری، ارزشیابی و استدلال را از فرایندهای عالی ذهن می دانند .

نکاتی راجع به
شعور و دقت

نخست اینکه معلومات ذهن ، اعن از کلی و جزئی ، محسوس و معقول همیشه

در قسمت روشن ذهن نیست . یعنی در زمان حاضر همه را به روشنی ادراک نمی کند .

مجموعه نفسانیات بشمارای که ذخیره ی ذهن را تشکیل می دهد به لفظ شعور باطن و آن معدودی که در هر زمان در قسمت روشن روان جای می گیرد به لفظ شعور ظاهر تعبیر میشود .

پایه شخصیت هر فرد ، بر روی شعور باطن او گذاشته می شود آنچه از پندار و گفتار و رفتار در مواقع مختلف از فرد ظهور و بروز می کند پرتویی از شعور باطن است .

✓ استعداد نفس را ابتداء یا دقت می نامند

اولا قوای مدرکه همان است که در روان شناسی جدید به استعداد ها نسبت می دهیم .

ثانیا عقل هیولانی کما بیش مرحله یا مرتبه ای از نفس کودک مبتدی است .
درک مقدمات یا معقولات اولیه و آماده شدن ذهن برای دریافت معقولات
ثانویه به احکام عقلی و استدلال منطقی ، نفس را به مرتبه ی عقل بالملکه
می رساند .
این پدیده ، در روان شناسی جدید شعور باطن خوانده شده است (قسمت
تاریک ذهن)

الگوی راجع
به تطبیق
عقول چهارگانه

هرگاه انوار دقت به مناسبتی از قبیل احتیاج و مصلحت و طبق قوانین و شرایط خاص این مناسبت
و این شرایط همان است که سابق بر این استعداد و قابلیت نفس برای پذیرفتن افاضات عقل تعبیر شده است که به آنها
در این هنگام عنوان وجدانیات صریحه یا شعور ظاهر دیده می شود .

*این سینا شعور ظاهره (وجدانیات صریحه) را عقل مشعاد می خواند .

هوش و عقل :

✓ از جمله ویژگی های فردی ، قدرت های ذهنی هستند که مشاهده ی مستقیم تفاوت های فردی در آنها بسیار
دشوار و گاهی غیر ممکن است .

✓ مبحث استعداد های ذهنی یکی از مهم ترین مسائل روان شناسی است که تحت عنوان هوش یا رفتار هوشی از
آن بحث می شود .

هوش بر خلاف تصور عامه یک جوهر یا ملکه نیست بلکه متضمن اعمال
و کنش های ذهنی پیچیده ای است که در رفتار فرد ظاهر می شوند .

تعریف هوش :

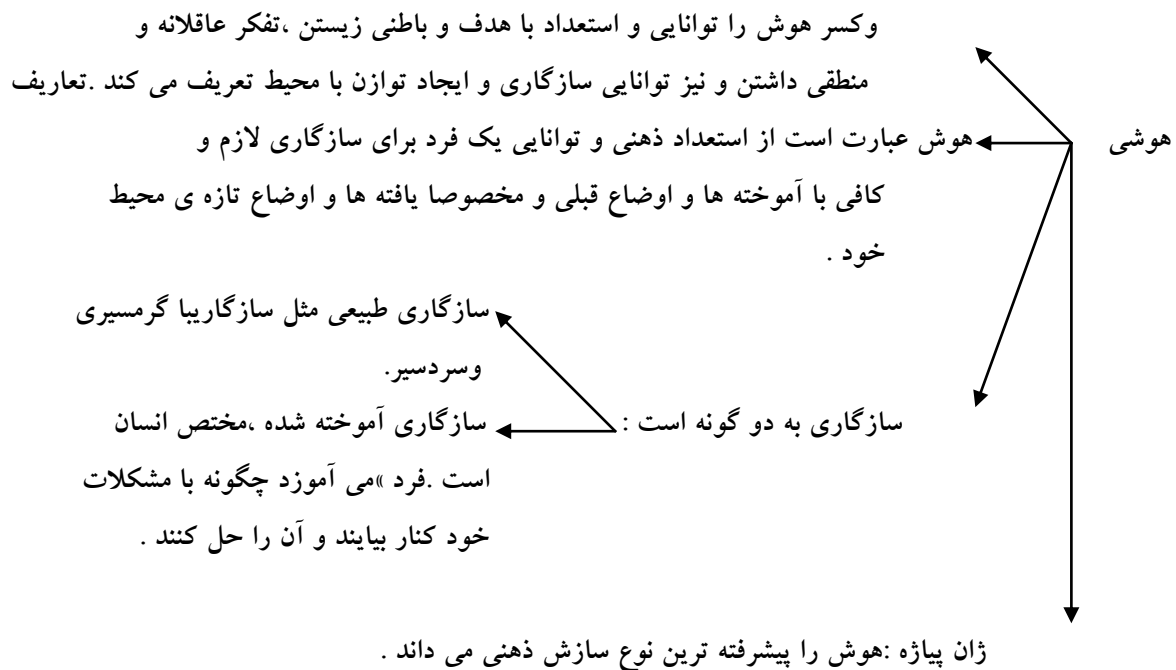
در بحث هوش به آن دسته از فعالیت های فرد توجه داریم که نسبت به
فعالیت های دیگر وی در سطح عالی قرار داشته یا با جریان های عالی ذهن
بستگی دارد .

میان جنبه های مختلف هوش می توان به نیروی دقت ، حفظ کردن ، تخیل
، استدلال و سایر شکل های فعالیت ذهنی اشاره کرد .

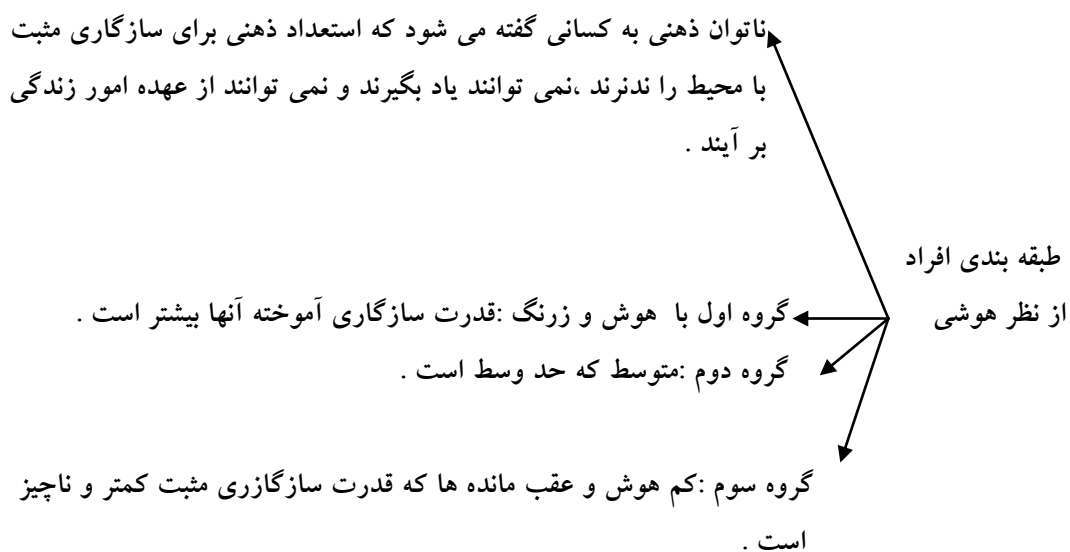
عده ای هوش را استعداد پیشرفت در تحصیل علم و کسب دانش می دانند .
برخی هوش را عبارت از استعداد حل مسائل می دانند .

اصطلاح هوش آنگونه که ما از آن استفاده می کنیم به معنی رفتار آگاهانه فرد
است . که حداقل هنگامی که او سعی در توفیق یافتن در عملی را تحت
شرایطی نسبتا مطلوب دارد ، ظهور می کند .

هوش عبارت است از آنچه که یک آزمون هوش می سنجد (آلفر دبینه)
ترمن هوش را توانایی ادراک و تفهیم و تجزیه و تحلیل عوامل می داند .
وکسر *سازنده تعدندی از تست های هوشی آن را ظرفیت ذهنی جهت درک مسائل
زندگی ، تدبیر و ابتکار برای حل مشکلات زندگی می داند .

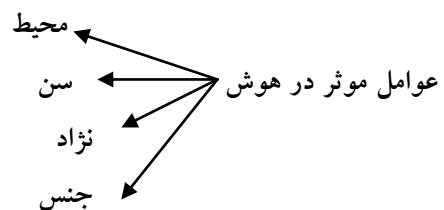
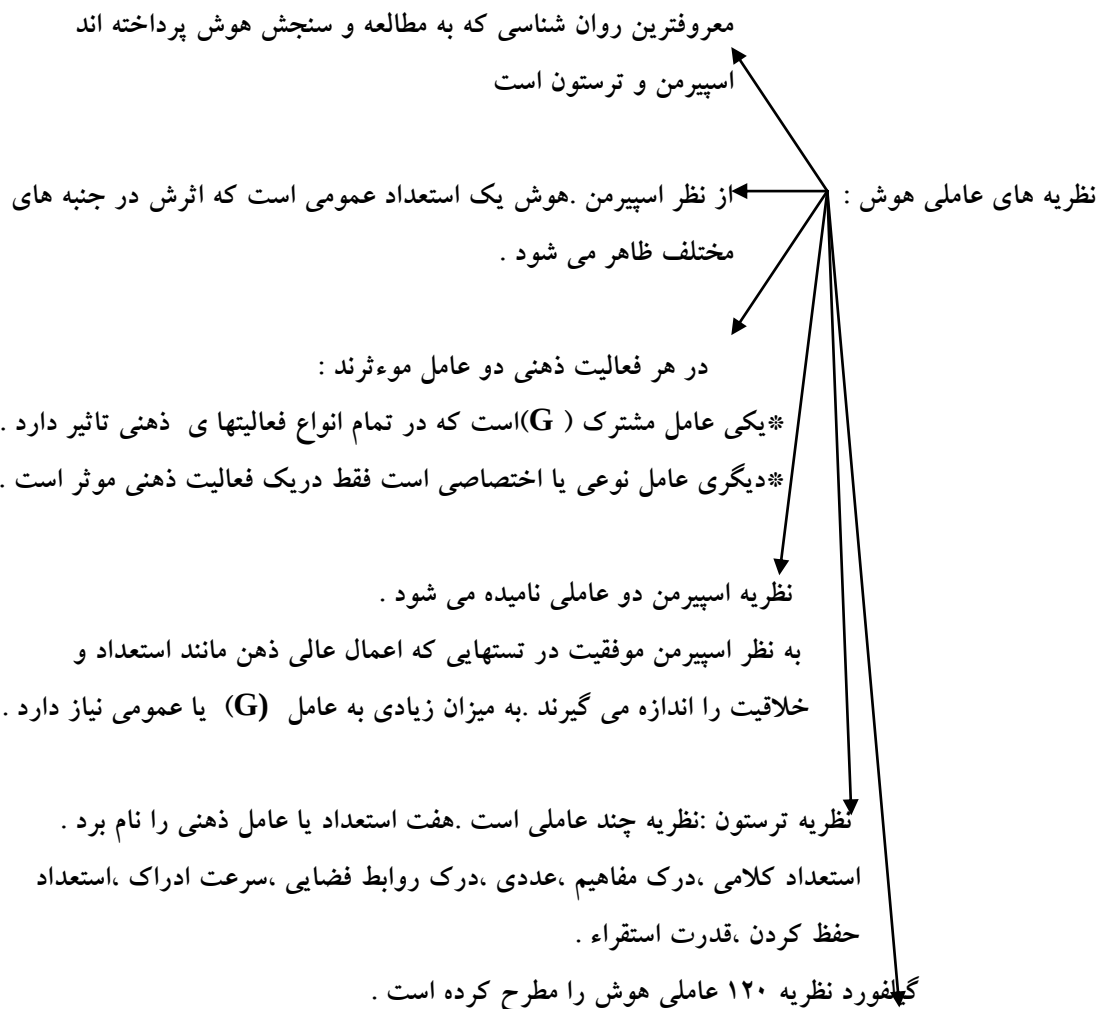


✓ هوش یک توانش واحد و تک بعدی نبوده بلکه ترکیبی از چندین کنش مختلف است .

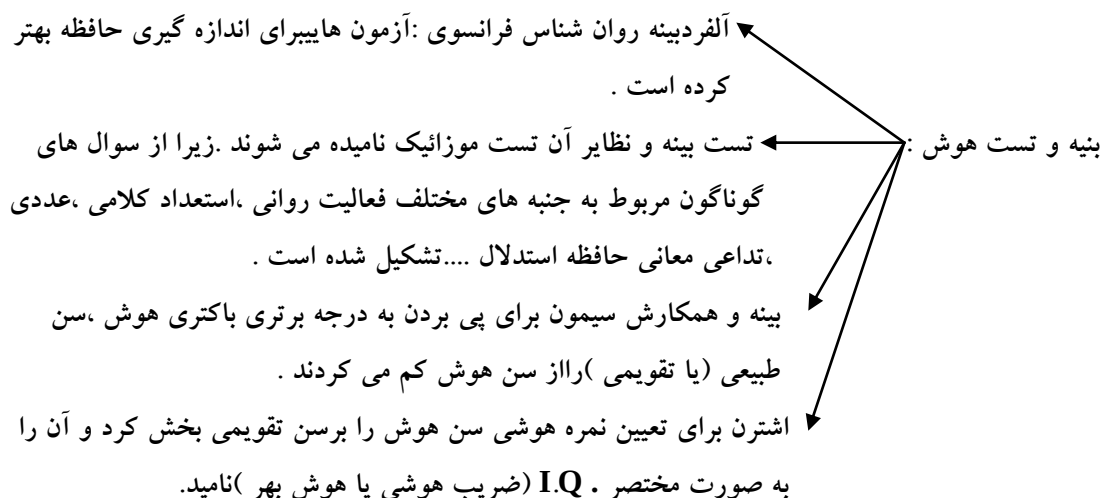


✓ ماهیت سازشی هوش :سازش را به منزله ی تعادل بین درون سازی و برون سازی یعنی تعادل بین مبادلات آزمودنی و اشیاء دانست .

✓ رشد فعالیت از ادراک وعادت ،تا عملیات عالی استدلال و فکر صوری تابع همین مبادلات یعنی تبادل بین درون سازی و برون سازی یا تطبیق عمل بر واقعیت است .



✓ تستهای هوشی :آزمون های روانی ابزارهایی هستند که مثل هر ابزار دیگری ،کار آمدی آنها تابع میزان معلومات ،مهارت و صداقت استفاده از آنها ست



یک الگوی مکعب شکل را مطرح کرد که الگوی ساختار هوش نامیده شده.

گیلفورد :

صفات هوشی بر مبنای سه بعد : * عملیات

* فرآورده

* محتوا

عملیات (شناخت ، حافظه ، تولید واگرا ، همگرا ، ارزیابی)

فر آورده : (واحد ها ، طبقه ها ، رابطه ها ، نظام ها ، تلویحات

محتوا : شکلی ، نمادی ، معنایی ، رفتاری .

معانی و اصطلاحات آن

عقل در لغت به معانی درک کردن و فهمیدن آگاهانه است .

قرآن درباره کسانی که در مسیر انحطاط و کفر قرار گرفته و بر تعصب و

جمود مستقر شده اند می گوید : ومثل الذین کفر و کمثل الذی ینعق بما لا

یسمع الا دعاء و نداء صم بکم عمی فهم لا یعقلون . مثل آنان که کفر ورزیدند

مثل آن کس است که بانگ زند بر حیوانی که نمی شنود جز خواندن و بانگ

زدن را ، کرانند و گنگانند و کورانند که تعقل نمی کنند .

امام صادق (ع) می فرماید : هیچ گاه پیامبر (ص) با مردم با کنه عقل خود

صحبت ننمود .

امام صادق (ع) می فرماید : رسول الله می فرمود : ما جمعیت انبیاء ماموریم که

با مردم به اندازه عقلشان با آنها سخن بگوییم که ظاهرا عقل به معنی درک و

فهم است .

۲- عقل در عرف به معنای نیروی تشخیص دهنده یسود و زیان و خوب و بد به کار

می رود .

امام باقر (ع) فرمود : خداوند عقل را آفرید ، فرمود : پیش بیا ، پیش آمد ، فرمود

برگرد ، برگشت ، فرمود : به عزت و جلال مخلوقی بهتر از تو نیافریدم .

۳- عقل نظری : قوه ای که به وسیله آن انسان به حقایق اشیاء آگاهی می یابد .

امام صادق (ع) کثره النظر فی العلم یفتح العقل : کثرت فراگیری و عقلد و تحقیق در

علوم عقل را می گشاید .

۴: به معنای نیرویی که مطلق حقایق را درک می کند اعم از نظری و عملی

امیر المومنین (ع) : ویشروالهم دفائن العقول : خداوند انبیاء را فرستاد تا گنجهای

پنهانی عقلها را آشکار سازند .

العقل عزیزه تزید بالعلم والتجارب : عقل یک نیروی فطری است که با علم و تجربه

افزایش می یابد .

۵- عقل قوه ای است که تدبیر بدن و کمالات انسان به وسیله ی آن رهبری می شود .

امیر المومنین می فرماید : ولیس العاقل ان یکون شاخصا الا فی ثلاث : مرمره لمعاش او

خطوه فی معاد اولذه فی غیر محرم: برای شخص عاقل درست نیست که حرکتش جز در یکی از سه جهت باشد: برای اصلاح امور زندگی، در راه آخرت یا مدام.

۶: عقل در علم اخلاق: به معنای نیرویی که انسان را به کارهای خوب وادار می کند و در مقابل نفس وهوی به کار می رود.

امیر المومنین (ع): و کم من عقل اسیر تحت هوی امیر: چه عقلها که اسیرند وهوی وهوسها امیر و سلطان.

علی (ع) می فرماید: کسی که مالک شهوت خود نباشد مالک عقلش نیست.

۷- عقل به معنای نیروی که مفاهیم تصویری کلی را درک می کند در مقابل احساس تخیل، وهم و خلاصه آن مرتبه از نفس انسانی که مدرک مفاهیم کلی است. آن را عقل می نامند.

۸- عقل به معنای مجرد تام: به عنوان عقول طولی یا عقول عرضی.

امام صادق (ع) می فرماید: خداوند عقل را خلق نمود و او اولین مخلوق است از روحانیون.

✓ ملائکه، عقل محض است و شهوت در آن نیست.

قرآن برای ایلاع پیامش از دو زبان کمک می گیرد: استدلال منطقی

(عقل است) ۲- احساس (دل)

حدود ۶۰ تا ۷۰ آیه قرآن درباره حجیت عقل سخن گفته است

بدترین جنبنده ها کسانی هستند که کر و گنگ هستند و تعقل نمی کنند.

منظور از کر و لال عضوی نیست، بلکه آن دسته از مردم که حقیقت

را نمی شنوند و نمی خواهند بشنوند. و به زبان اعتراف نمی کنند.

مبارزه با لغزشهای عقل
دلیل دیگر اصالت عقل نزد قرآن، مبارزه ی قرآن با مزاحمتهای عقل است.

هر استدلال از دو قسمت تشکیل شده است: * ماده * صورت

بکارگیری گمان به جای یقین بزرگترین لغزش فکری بشر

پیروی از گمان است.

دومین منشا خطادر ماده استدلال، تقلید است

یعنی چیزی را که در اجتماع مورد قبول قرار گرفته است و یا نسل

های گذشته پذیرفته اند می پذیریم

پیروی از هوای نفس و تمایلات نفسانی و داشتن غرض و مرض

است.

منشا خطا از نظر قرآن

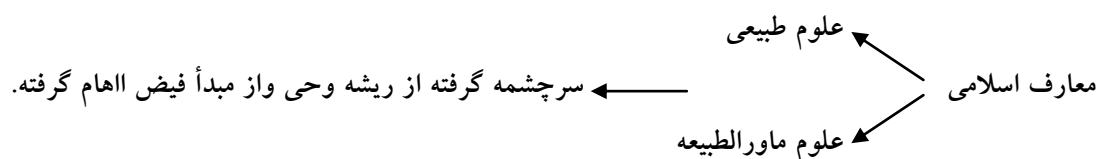
پیشرفت علم در جوامع دیگر ← جوامع اسلامی اسلامی ← علم النفس

فرانسوی ← آموزشی

جامعه شناسی ←

اقتصاد ← مارکسیسم

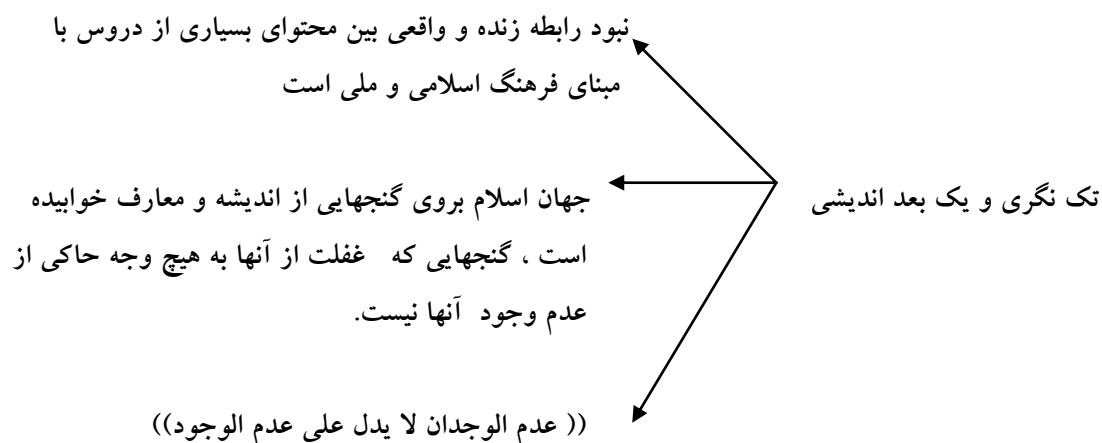
انگلستان ← هند و شبه قاره هند : اسپنسر



از عجیب ترین رویدادهای تاریخی عقلی بشر ← چگونگی پیدایش علوم و معارف اسلامی

علت جذب علوم تمدنهای پیشین ← در ساختار عقیدتی اسلام است.

اسلام با جذب عناصر فرهنگی بالنده تمدنهای پیشین، مقولاتی چون عقل، دین، حکمت و فلسفه را با هم پیوند دارد.



پایان پذیرفتن ارتباط عقلی و معنوی بین غرب و شرق ← قرن هفتم هجری یا سیزدهم دانشمندان اسلامی ← عینی گرا هستند.

عمیق ترین و پر جذبه ترین پژوهش ها ← پژوهش و تحقیق در علوم و معارف اسلامی و جستجو در نظریات عرفانی اسلام.

تک نگر و یک بعد اندیشی ← به سبب نبود رابطه زنده واقعی بین محتوای دروس با مبانی فرهنگ اسلام است.

نکته : پایان یافتن علوم اسلامی ← توسط ابن رشد

برخی معتقد هستند علوم اسلامی با این رشد پایان یافته است. (قرن ششم) در حالیکه در این دوره حیات نوینی یافته است.

بزرگترین خطر فعلی تمدن غربی —————> جدایی زیاد از حد علوم مختلف از یکدیگر و نبود نظری واحد درباره جهان (وایت هد)

آنکه سیر حکمت اسلامی در قرن ششم هجری به پایان نرسیده است و فلاسفه دیگر، هر یک به نوبه خود بر گنجینه و دانش های اسلامی افزودند و بویژه آراء روان شناختی آنان در خصوص نفس و قوای آن، از اشتباهی فراوان برخوردار است.

نکته: از آنجایی که وحدت به کثرت می انجامد و عقل و عاقل و معقول باز شناخته می شود و از کثرت وحدت می زداید و همه چیز به سوی او باز می گردد. به کدام کل شیء ها لک الا وجه .
از اصول و پایه های بنیانی اسلام —————> گرایش به اصل توحید و اشاعه آن است.

(۱) رابطه دینی است مبتنی بر وحی و توجه به عالم اعلی و مبداء متعالی و
معنوی عالم
موضوع علم النفس

(۲) رابطه بین عقل و ایمان از همان آغاز مورد توجه حکمای اسلامی قرار گرفته است.

✓ هشت قرن بعد از کندی که برای اولین بار این مسئله مهم را مطرح کرده بود موضوع توسط صدر المتألهین به بهترین وجهی با هماهنگی و وفاق کامل حل شد.

✓ میعاد گاه عقل و ایمان —————> نقطه ای است که در آن دو طریق استدلال و اعتقاد دینی به هم می پیوندند. حکمت و معرفتی است که انسان را به کمال می رساند.

✓ همواره سنت عقلی و عملی فرایند ارزنده است که بر اساس گزینش آگاهانه و انتخاب راه بر پایه فهم و استدلال در متون اسلامی مورد توجه بوده است.

✓ آیه شریفه —————> فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون الحسنة اولئک هدی هم الله و اولئک هم اولوالالباب

آنان که آراء و اقوال گوناگون را مورد نقد و بررسی قرار می دهند خود از هدایت شدگان اند و نیز آنان از خرد ورزان و خرد پیشگان اند.

تفکرات فلسفی : جستن و کنجکاوی دنیای درونی و بیرونی .از کنجکاوی
جستن آدمی به هنگامی که متوجه دنیای یرون خود شد ،علم زایید

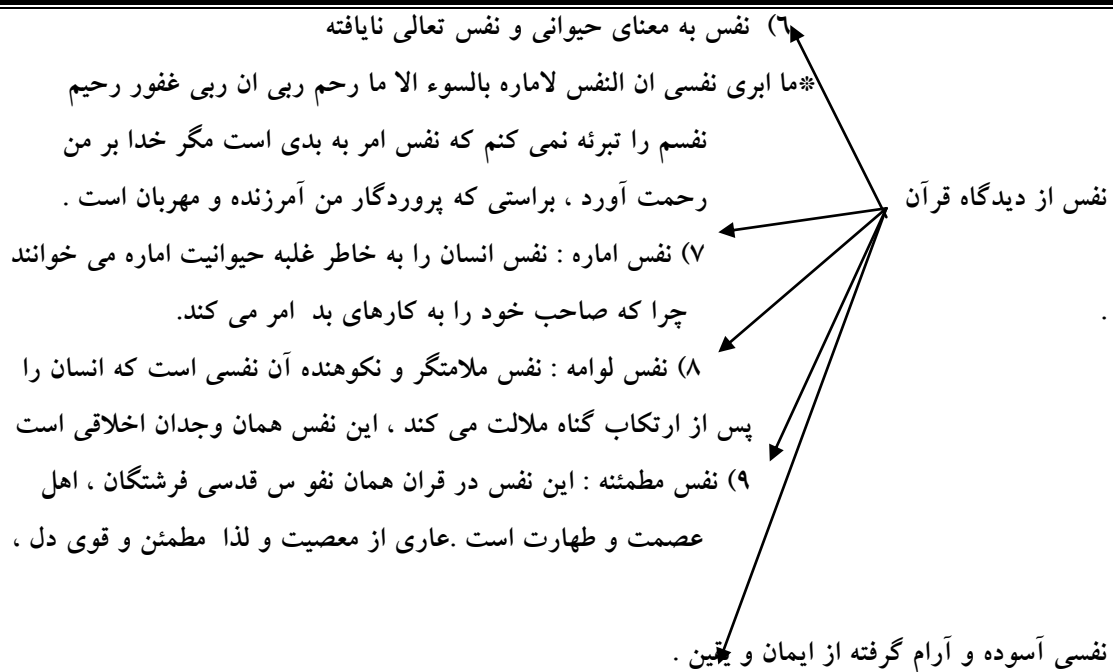
علم مواد بی جان : فیزیک و شیمی
علم مواد جاندار (آدمی) نفس ، روح ، روان.....

برای نفس : اینکه نفس جوهر است یا عرض
اینکه نفس حادث است یا قدیم

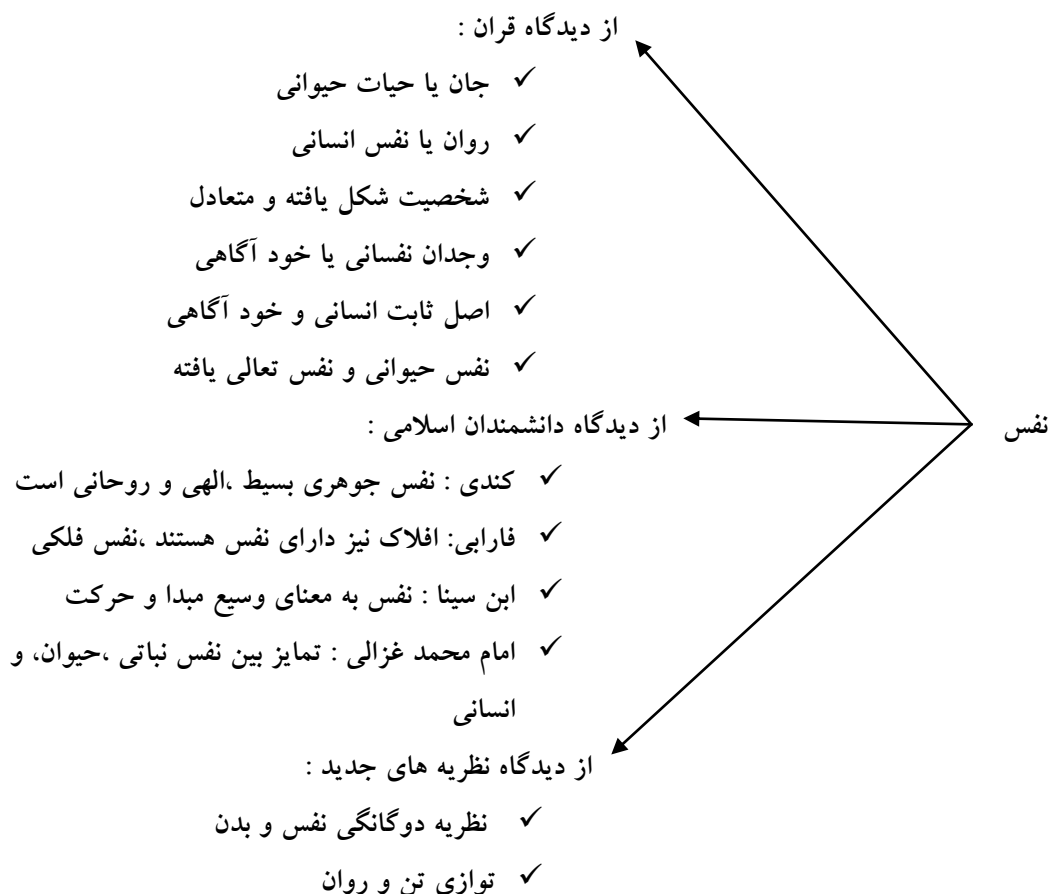
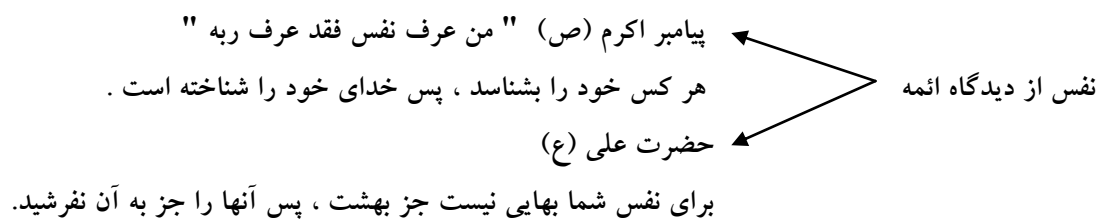
تاریخچه علم:

نفس در قران کریم

(۱) نفس به معنای جان و حیات حیوانی
* و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله
برای نفس چیزی نیست مگر آنکه بمیرد به اذن پروردگار
نکته : نفس همدیف جان است که مرگ برایش پایان و غایت است
(۲) نفس به معنای روان یا نفس انسانی آمده است
* و ذکر به ان تبسل نفس بما کسب.
و پند بده به آن نفس که آنچه کسب کند بدان گرفتار می شود.
(۳) نفس به معنای شخصیت شکل یافته و متعادل
* لا تکلف نفسا الا وسعها
خدا هر کس را به اندازه ی توانایش تکلیف می دهد
نفس در این مرحله به تکامل رسیده است (به مرتبه ای از
تکامل)
(۴) نفس به معنای وجدان نفسانی یا خود آگاهی
* کل نفس ذائقه الموت و نبلو کم بالشر و الخیر فتنه و الینا ترجعون
هر نفسی در عالم رنج و سختی مرگ را می چشد و در سیر زندگی با
خوبی و بدی آزمایش می شود و به سوی ما باز می گردد.
* علمت نفس ما قدمت و اخرت
هر نفسی می داند آنچه را از پیش فرستاده شده است و آنچه را که از
پیش خواهد آمد.
(۵) نفس به معنای اصل ثابت انسانی و خود آگاهی
* و نفس ما سوها فالهمها فجورها و تقویها
به نفس و آنکه او را متعادل و متکامل آفرید و در او بد کاری و پرهیزکاری الهام کرد



(۱۰) نفس راضیه و مرضیه : رضایت دل به تمامی فرامین الهی ، دوست دارد آنچه خدا دوست دارد و دور می شود از آنچه خدا دوست ندارد

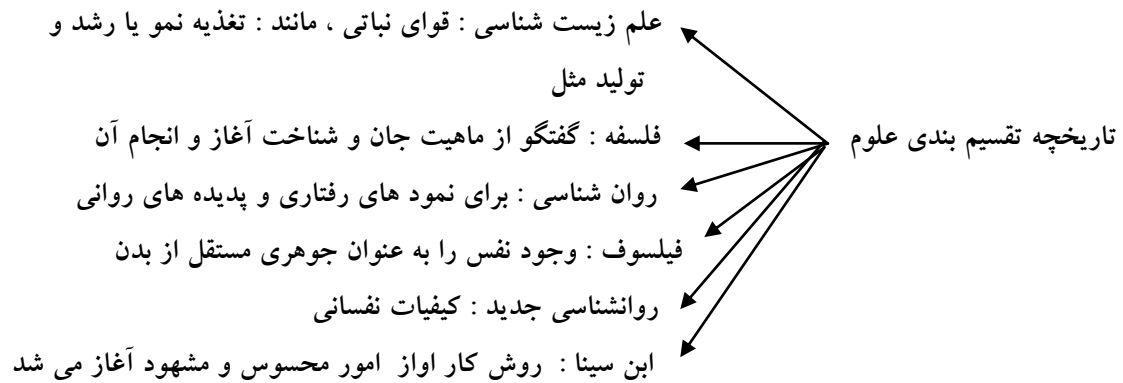


✓ نمو زاید

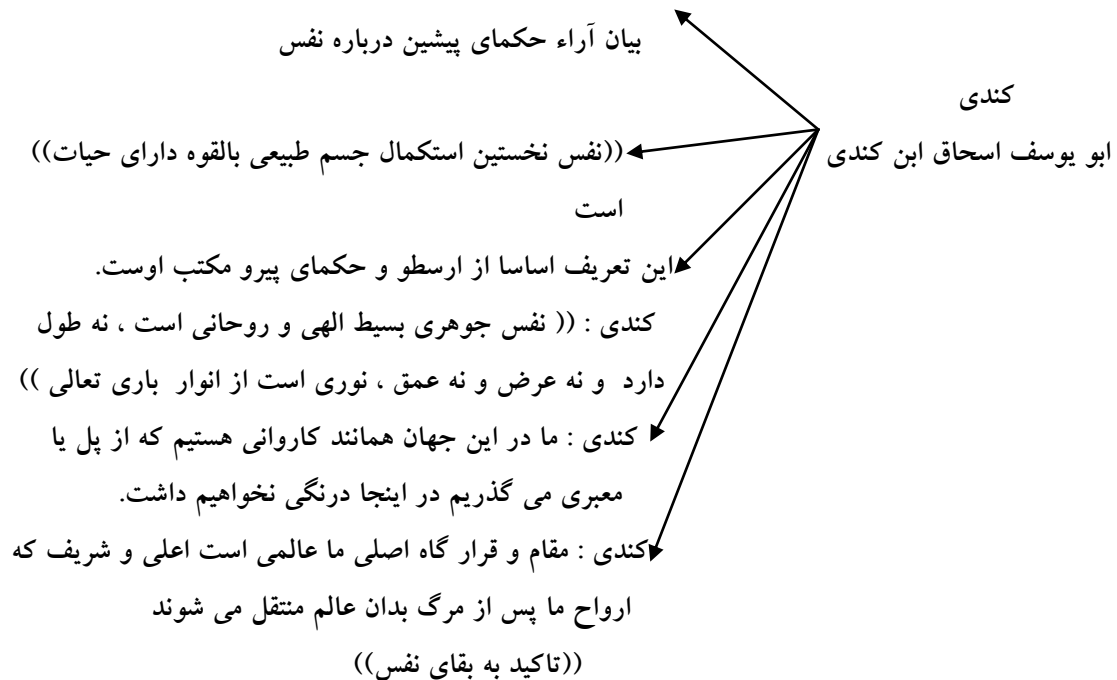
✓ روش سلوک و رفتار

✓ نظریه حیاتی

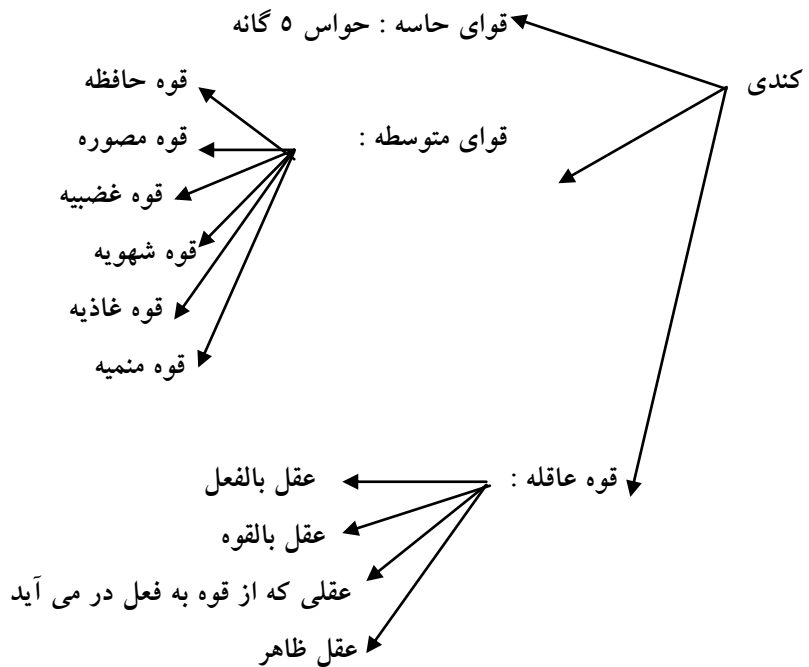
✓ نظریه اجتماعی



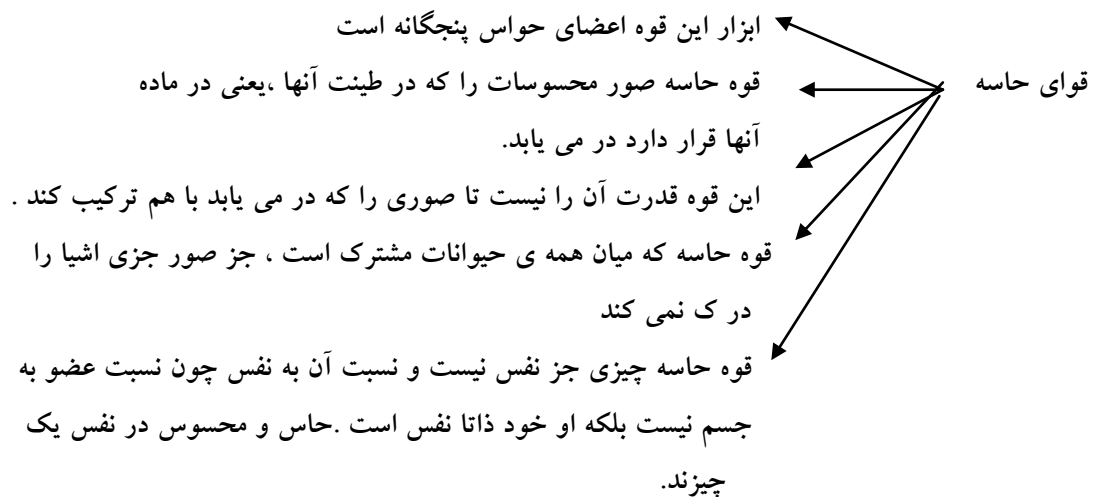
و به تدریج به امور نامشهود و معقول می رسید، ((مشاهده و تجربه))



قوای نفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی



کندی



قوای متوسطه :

قوه مصوره : قوه ای که صور جزئیات را بدون حضور ماده درک می کند

* فرق میان حس و قوه مصوره این است که حس صور محسوسات را در حالی که در ماده است و حضور دارند به ما القاء می کند در حالی که قوه مصوره ، محسوسات را مجرد از ماده با شکل و همه کیفیات و کمیاتش به ما عرضه می دارد .

* خصوصیات این قوه آن است که قدرت ترکیب دارد .

قوای حافظه : صوری را که قوه مصوره به او ارزانی می دارد ، می پذیرد و حفظ می کند .

کندی دو قوه غضبیه و شهویه را غلبیه می نامد .

کندی

قوای متوسطه ← غلبیه : قوه ای است که در برخی از اوقات آدمی را بر می انگیزد

* قوه غضبیه : نفس قوه غضبیه را از ارتکاب آنچه می خواهد باز می دارد

* قوه شهویه : آن قوه ای است که در پاره ای از اوقات انسان را به برخی از شهوات سوق می دهد .

* قوه غاذیه : آن قوه ای است که در مورد غذا و تغذیه بحث می کند.

* قوه نامیه : آن قوه ای است که رشد و تعالی نفس را بررسی می نماید .

قوه عاقله قوه ای است که صور اشیا را مجرد از هیئت آنها درک می کند . به عبارت دیگر درک انواع و اجناس می کند و نه اشخاص

قوه عاقله :

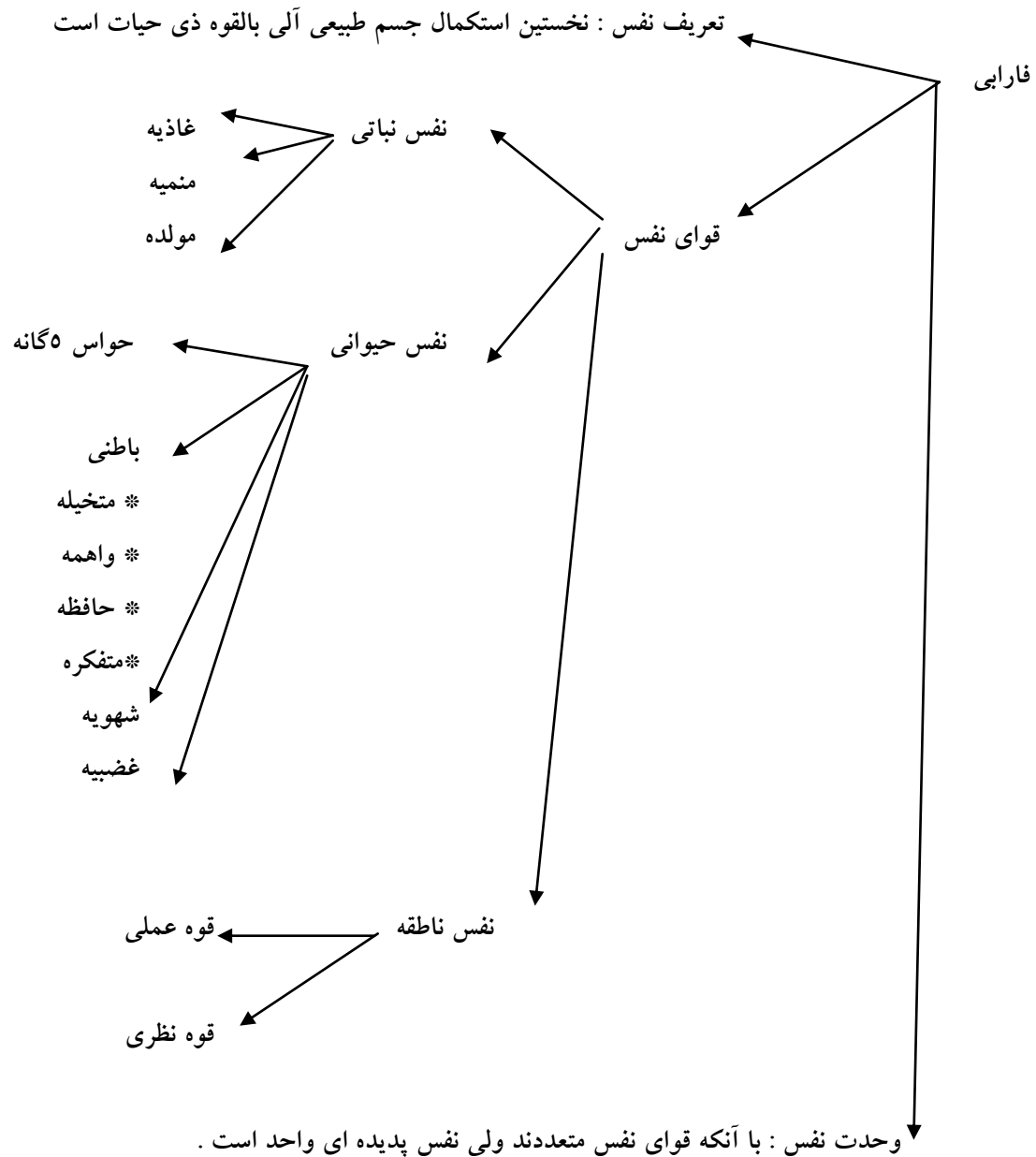
به نظر کندی عقل واحد است که در نفس بالقوه وجود دارد و آنگاه از قوه به فعل در می آید .

به فعلیت در آمدن نفس ، خود تحت تاثیر معقولاتی است که آن معقولات همواره موجودیتی بالفعل دارند .

کندی معتقد است که نفس عاقل بالقوه است و تحت تاثیر عقل اول به فعلیت می گراید و چون صورت عقلیه با آن متحد شد نفس و صورت عقلیه یک چیز می شوند یعنی نفس هم عاقل است و هم معقول . پس عقل و معقول از جهت نفس ، شیء واحد است .

کندی معتقد است قوای نفس عبارتند از حسو عقل که میان آنها قوای متوسط می باشد

ابو نصر محمد ابن فارابی



نکته : قوای نفس نباتی : قوه ی خدمتگذار

قوای نفس حیوانی : محرک اعضا هستند

عمل این قوا توسط اعضای مختلف (حواس پنجگانه) به فعل در می آید ..

همانگونه که انسان و حیوان و نبات دارای نفس هستند، افلاک نیز دارای نفس اند —————> نفس فلکی

ماهیت نفس فلکی با نفس انسان و حیوان متفاوت است ولی تا حدودی با نفس ناطقه انسانی تجانس دارد.

نفس صورت جسم است (ارسطو)

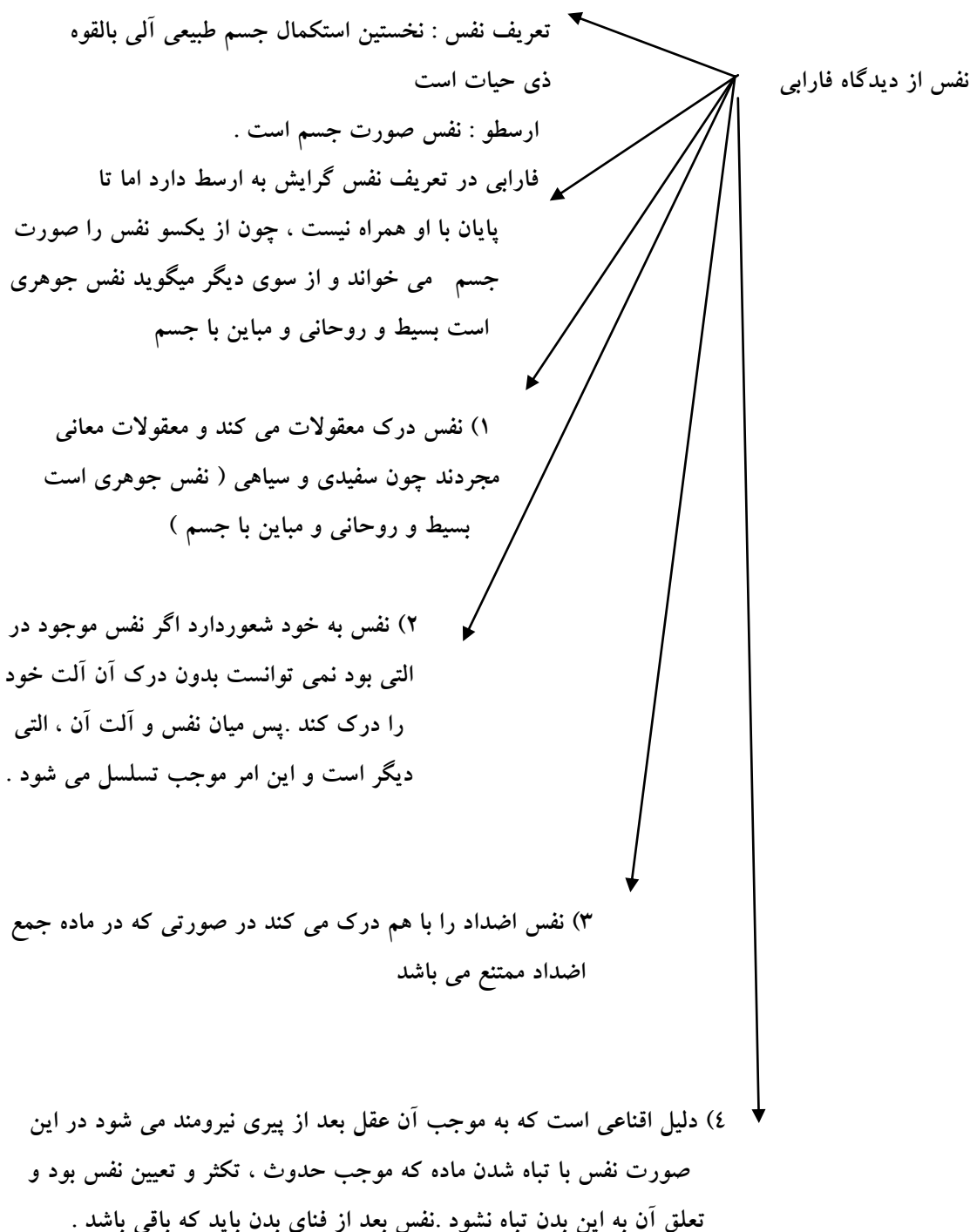
فارابی تا حدودی به ارسطو گرایش دارد ولی تا پایان همراه او نیست.

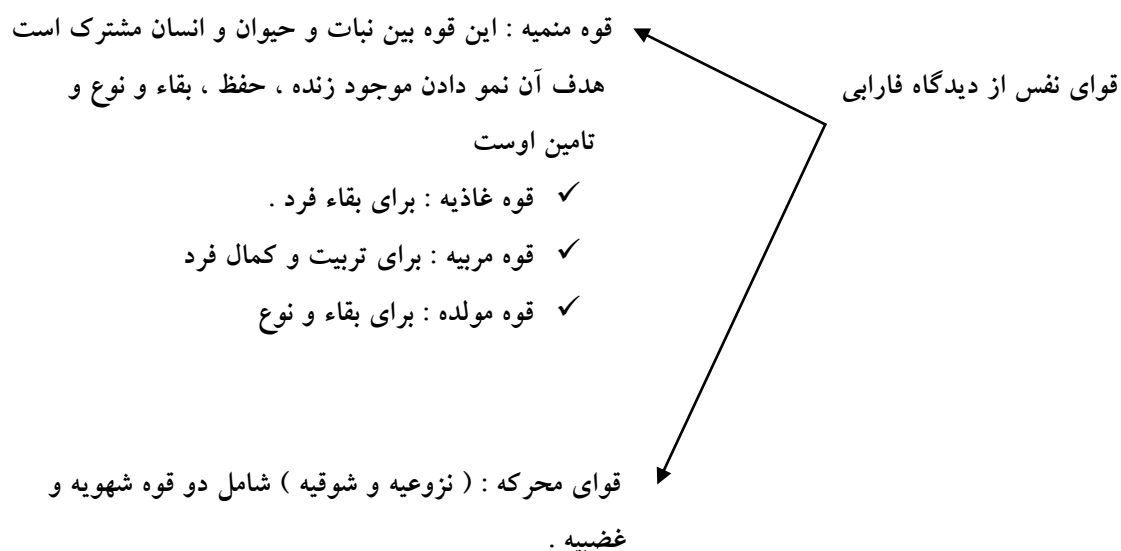
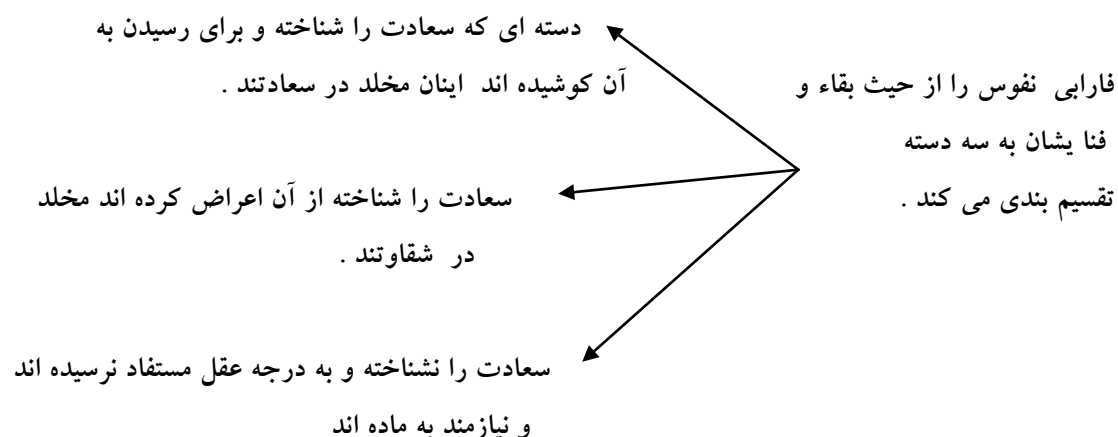
نفس جوهری است بسیط و روحانی و مباین با جسم.

فارابی بر عکس افلاطون معتقد نبود که نفس قبل از بدن وجود داشته است.

قوای نفس: مهمترین خواص نوع حیوان از جمله انسان وجود نفس است که به وسیله اعضاء

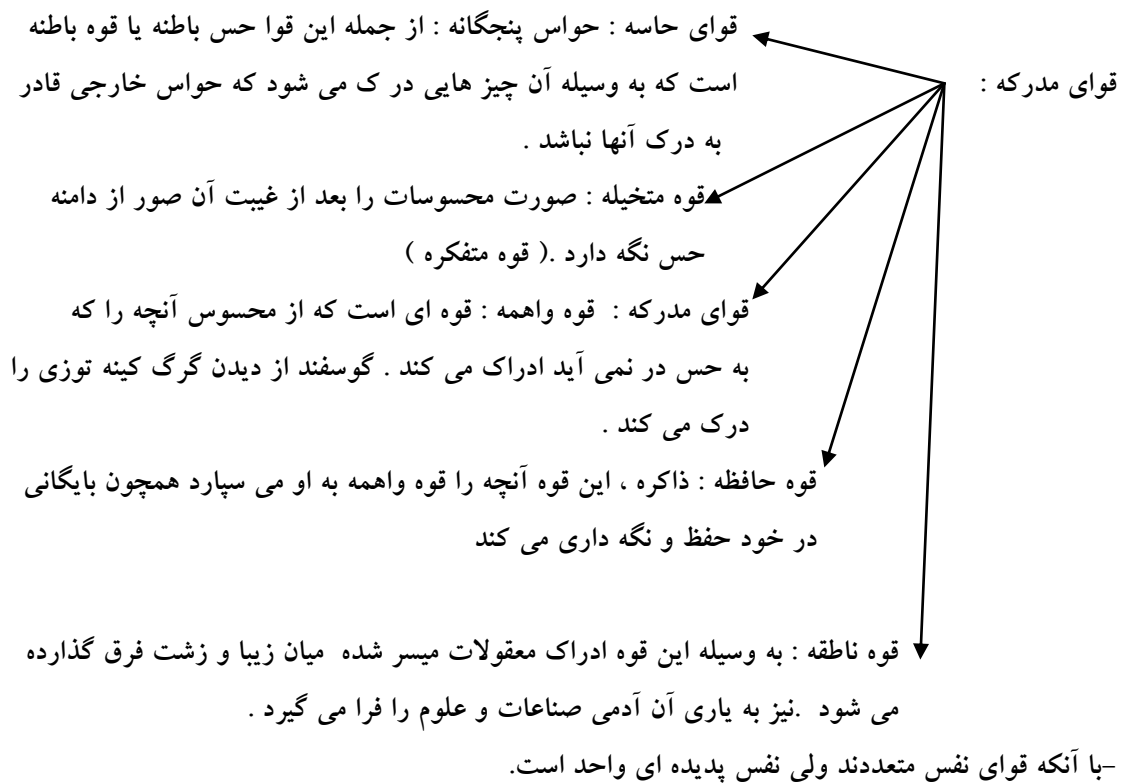
جسمانی اعمال خود را انجام می دهد ولی انسان دارای قوه عقل نیز هست که در انجام اعمال خود به اعضاء جسمانی نیاز دارد.



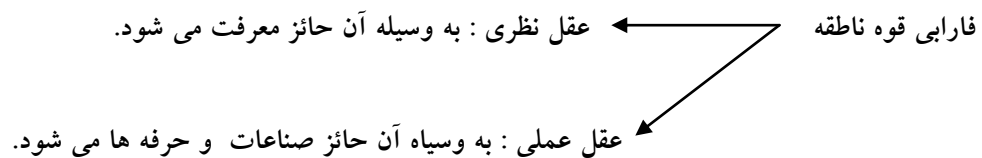


- ✓ قوای نزوعیه آن دسته از قوایی است که موجب انگیزش انسان به طلب شیء یا گریز از آن می شوند اشتیاق یا کراهت ، نزدیکی یا دوری از چیز ها را در انسان سبب می شود .
- ✓ حب و بغض ، دوستی و دشمنی و از این قوا منشأ می گیرند . اراده نیز از این قوا سرچشمه می گیرد.
- ✓ قوه شهوانی : قوه ای است که به کمک آن جلب چیزهای نیک و سود مند کنند.

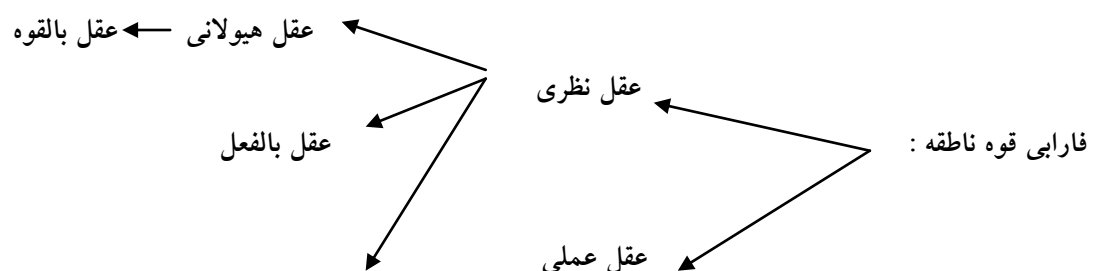
• قوه غضبیه: محتوایی که به یاری آن دفع مضرات و خسارات کنند .



-قوای نفس طوری ترتیب یافته اند که هر قوه برای مادون خود صورت است و برای مافوق خود ماده.



- نکته : اولین کسی که در باره عقل اظهار نظر کرده است ازسطو است . فارابی نظریه ای روشن و دستگاهی صحیح و منسجم بنا نهاده است . که بر فلسفه غرب و اسلام تاثیر ی فراوان بر جای گذاشته است .



عقل خود به عینه همان صور است.

نخستین فیلسوفی که درباره عقل اظهار نظر کرد ← ارسطو

مهمترین مساله ای که فارابی درباره آن بحث کرد ← عقل

-فارابی ← اگر قلب نبود تغذیه حصول نمی یافت و میل واشتیاق به چیزی وجود نداشت.

-اگر حواس نبود احساسات هم وجود نداشت.

فارابی جسم را شبیه شهری می داند که در هر بخش آن یک حکمران فرمان می راند.

بالاترین درجه حکمرانی و مقام در شهر جسم از آن قلب است.

از نظر فارابی نفس جاویدان نیست مگر وقتی به درجه عقل مستفاد برسد و از ماده بی نیاز شود.

معرفت حسی

-فارابی به وجود نفس قبل از جسم معتقد بود.

-حصول معارف از طریق حواس انجام می شود.

-نفس بالقوه عالم است.

-نفس انسانی از راه حواس به درک معارف نائل می آید.

-معرفت حسی ما را به درک حقیقت اشیاء قادر نمی سازد.

-آزمایشات حسی است که ادراک جزئیات محسوس را میسر می کند.

ابن سینا

«شیخ الرئيس حسين بن عبدالله بن سينا»

نفس را به معنی وسیع مبدأ و حرکت در نظر گرفته است و همه کائنات را واجد این موهبت می داند.

او به نفس فلکی، نفس نباتی، نفس حیوانی و در درجه آخر به نفس انسانی قائل است.

ابن سینا معتقد است که نفس جوهری است واحد که دارای قوای مختلف بوده و افعال مختلف دارد.

حکیم برای اثبات نفس چنین می گوید «ما اجسمای را می بینیم که کار آنها همواره به یک طریق نیست. پس علاوه بر جسمیت، چیز دیگری در آنهاست که صورت نوعی آن چیزها می باشد به گونه ای که افعال مذکور از این صورت نوعی پدید می آیند، این صورت نوعی نفس نامیده می شود.

حکیم عقل را در برابر نفس حیوانی قرار می دهد و برای آن خصایصی ذکر می کند. اهم این ویژگیها این است که می تواند آماده و مستعد دریافت معقولات باشد و علوم را درک کند، در حالی که نفس حیوانی از این خاصیت محروم است و فقط قادر به درک جزئیات است. دیگر اینکه، عقل پس از تباهی و مرگ بدن، از میان نمی رود، بلکه زنده و جاویدان می ماند.

ابن سینا نیز به جنبه های دوگانگی وجود انسان یعنی ابعاد مادی و معنوی، بدنی و نفسانی نیز اعتقاد داشت. تغییراتی که در هر یک از این دو قسمت یا در جنبه وجود روی می دهد، قسمت یا جنبه دیگر را بی خبر می گذارد، بلکه در آن شدیداً اثر خواهد داشت و ایجاد انعکاس خواهد کرد.

نفس از دیدگاه
ابن سینا

گروهی از حکما (افلاطون، دکارت و...) نفس و بدن را دو ماهیت متمایز غیر متجانس پنداشته و بدن را زندان دانسته اند. با این توضیح که نفس در تعارض با تن می کوشد از زندان تن بگریزد.

رابطه نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا

ابن سینا مسأله را به این طریق حل کرد که بین نفس و بدن اتحاد قائل شد. او نفس را صورت نوع بدن می داند و می گوید سر و کار ما در اینجا با دو ماهیت متمایز نیست، بلکه جوهر واقعی نفس است که بدن را حقیقت می بخشد و به حرکت در می آورد. نفس جوهر است، نه عرض. زیرا اگر نفس عرض بود، هنگامی که از بدن جدا می شد، لازم نمی آمد که شخص صورت نوعی خود را از دست بدهد و حال آنکه خلاف این دیده می شود و حیوان یا انسان که از این نعمت محروم شده است، فوراً به صورت لاشه در می آید.

ابن سینا در ارائه این نظر یعنی اعتقاد به اتحاد بین نفس و بدن از این جهت که نفس صورت بدن است تابع ارسطو است. با این اختلاف که ارسطو این اتحاد را کامل می پنداشت.

ابن سینا: او اتحاد نفس و بدن را به این اعتبار که نفس صورت بدن و کمال آن است و به وسیله آن کارهایی را که جنبه مادی دارند، انجام می دهد، مسلم می داند. ولی به این اعتبار که در عین حال می تواند بدون یاری بدن نیز مصدر کارهایی شود و پس از مرگ تن همچنان زنده و باقی بماند، آن را از بدن متمایز و مجزا می شمارد.

ابن سینا در بیان حد نفس آن را هم قوه، هم صورت و هم کمال خوانده است. لیکن به دلایلی ترجیح می دهد که بگوید نفس کمال جسم آلی است تا بگوید قوه است یا صورت جسم است.

کمال از دیدگاه ابن سینا، اصلی و عارضی یا کمال اول و کمال دوم.

کمال اول: آن است که برای کار خود به غیر از خویش نیازمند دیگری نباشد و بتوان کمالات دیگر را به آن منسوب کرد.

کمال دوم آن است که تابع و عارض کمال اول باشد، مانند برندگی شمشیر که تابع خود شمشیر است و افعال حیاتی که پیرو و تابع وجود جان در بدن هستند.

با توجه به تعریف دو نوع کمال، نفس کمال اول است.

پس نفس هم جوهر است و هم کمال بدن است، ولی کمال بودن آن نه از این جهت که جوهر است، بلکه به این اعتبار که مبدأ حرکت است و بر بدن حکومت می کند.

صفت دیگر نفس از نظر حکیم ابن سینا این است که نفس واحد است نه کثیر. ابن سینا نفس را جوهری یگانه می پندارد که توسط قوای خود به اعمال مختلف مبادرت می کند. نفوسی که مقامشان پایینتر است به نفوس عالتر بستگی دارد.

در هر جسم مرکب علاوه بر حداقلی از نبود تضاد اجزاء وجود تناسب و تعادل میان آنها ضروری است. وقتی این تناسب و هماهنگی به درجه معینی رسید، نیروی حیات بخشی که عبارت از نفس نباتی است در جسم به وجود می آید. هنگامی که تناسب و تعادل به درجه کاملتری رسید، نفس حیوانی ظهور می کند. در درجه کاملتر نفس انسانی پدیدار می شود

نفس با حدوث بدن مقارن و همزمان است (نتایج جمله بالا)

رابطه نفس و بدن
ابن سینا

ارسطو به اتحاد کامل نفس و بدن معتقد بود و می گفت مانند نقشی که از بدن جدا نمی شود، نفس نیز نمی

تواند زمانی از بدن جدا شود و دوباره به آن رجوع کند.

ابن سینا ————— ← نفس صورت بدن و کمال آن است و از این طریق کارهای مادی را انجام می دهند.

از طرفی نفس بدون یاری بدن نیز می تواند مصدر کارهایی نظیر درک معقولات باشد و پس از مرگ نیز زنده بماند.

ابن رشد ————— ← نفس کمال جسم آلی است .

نکته ۱: ابن سینا بدن را علت نفس می داند. او می گوید پس از تباهی تن، نفس پایدار خواهد ماند و تعلق

نفس به بدن و تعلق معلول به علت ذاتی نیست. مزاج و بدن عارضاً علت نفس هستند.

نکته ۲: با خرابی تن، همه قوای حیوانی اعم از ظاهره و باطنه، که بین انسان و حیوان مشترک اند فانی می شوند.

نکته ۳: حکیم چندین بار تذکر می دهد که به اینکه نفس حیوانی در تمام اعمال خود محتاج بدن است.

نکته ۴: ابن سینا علت ترتیب ادراکها و احساسات را در مغز به سبب مشیت و حکمت الهی دانسته است.

نفس با حدوث بدن مقارن و همزمان است.

ابن سینا ————— ← بدن را علت نفس می داند. مزاج و بدن عارضاً " علت نفس هستند. علت ذاتی نفس

عقول مفارق اند. یعنی عقولی که خارج و ورای ماده اند.

نفس حیوانی در تمام اعمال محتاج بدن است. زیرا این اعمال توسط قوای ظاهره و باطنه صورت می گیرد.

قوای باطنه نیز به آلات جسمانی نیاز دارد و جای هر یک از این آلات را در مغز تعیین میکند.

ابن سینا ————— ← علت ترتیب ادراکات و احساسها در مغز حکمت و مشیت الهی است.

هر حرکتی از بدن سرزند، ناچار مصدر آن نفس خواهد بود، ولو آنکه آن حرکت انعکاس یا غریزی باشد.

ابن سینا از اهمیت بدن و تأثیر آن بر نفس، غافل نیست و معتقد است همان گونه که نفس به شوق طبیعی و سرشار متوجه بدن است و به تمهید آن می پردازد، بدن نیز پر از مهر نفس است و نسبت به آن خدماتی انجام می دهد و در وضع و حال آن تأثیر کلی دارد.

مهمترین خدمت بدن به نفس این است که موجب هستی او شده است.

بدن علت عرضی نفس است و به آن تعین و تشخیص می دهد.

احوال و اعراضی که نفس را عارض می گردد، بدون مشارکت بدن رخ نمی دهد.

نفس تا زمانی که دست اندر کار احساس و ادراک حسی و درک معانی جزئی و حفظ و ذکر است و کار خود را توسط قوایی که مشارکت میان حیوان و انسان هستند و در بدن آلت و جایگاه دارند، انجام می دهد. اما در زمان درک معقولات بدن مزاحم است.

تأثیر متقابل نفس و بدن

هر رفتار و کنش آدمی در مغز مکان و جایگاه خاصی دارد.

نفس مبداء کمال و حرکت جسم آلی است و در کشورش، همانا تن، حکمفرمان و فرمانرواست.

هر حرکتی از بدن سرزند مصدرش نفس است . ولو حرکت انعکاسی و غریزی .

نخستین و مهمترین خدمت بدن به نفس این است که موجب هستی او شده است.

بدن علت عرضی نفس است و به آن تشخص می دهد.

نفس پس از جدایی از تن و اتصال قطعی به عقل فعال و زندگی در عالم علوی معقولات به

حیات ادامه می دهد.

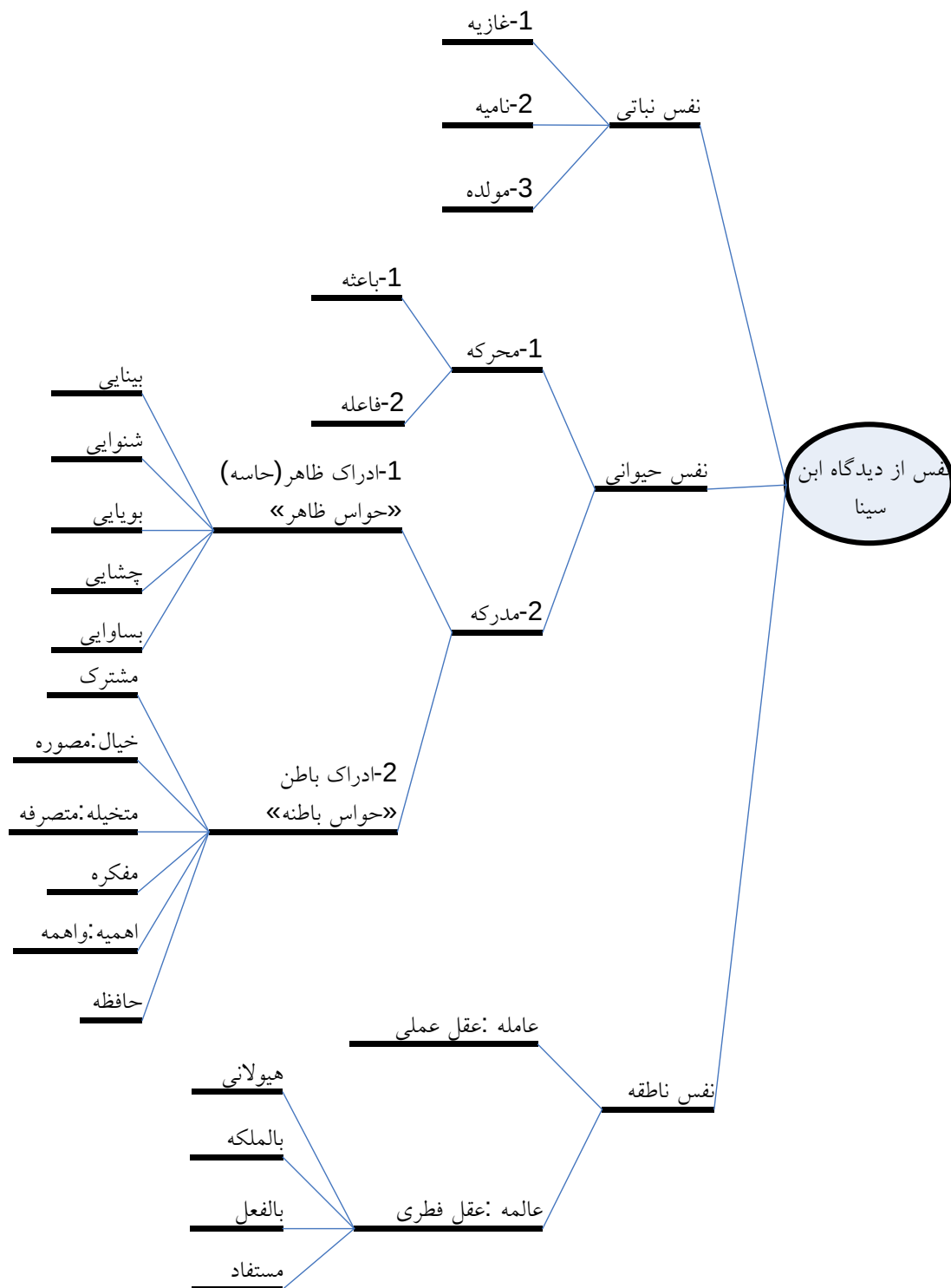
تاکید ابن سینا به تاثیر و همکاری متقابل نفس و بدن فقط تا آستانه معقولات باقی است . یعنی

زمانی که فرد بخواهد درک معقولات کند دیگر نه تنها به بدن نیازی ندارد بلکه بدن مزاحم او نیز

هست.

*بدن علت فاعلی نفس نیست بلکه علت قابلی آن است.

نفس از دیدگاه ابن سینا



«قوای نفسانی از دیدگاه ابن سینا»

حواس ظاهره

مدرکه

حواس باطنه

حکیم می گوید: حواس ظاهره به نظر ظاهری پنج است، و در حقیقت از پنج افزون زیرا قوه لمس یک قوه نمی باشد، بلکه چهار قوه است که هر یک از آنها را مورد حکم و ادراکی است غیر از موردی که برای دیگری می باشد.

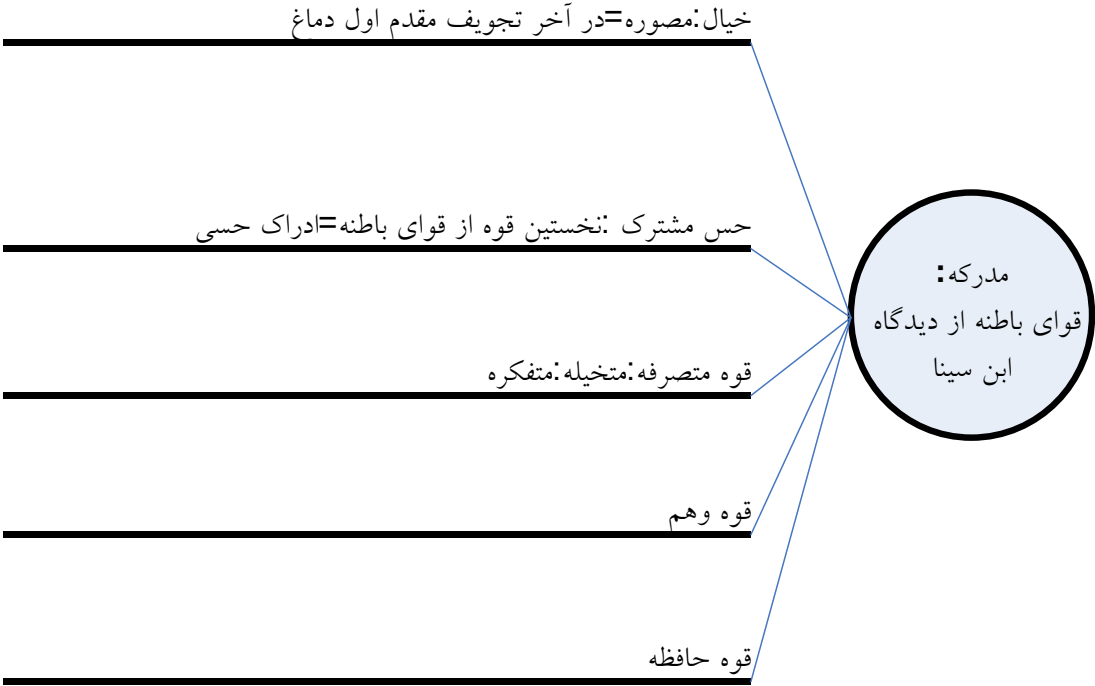
مدرکه:

حواس ظاهره از دیدگاه ابن سینا

اموریکه لمس می شوند عبارتند از: حرارت و برودت، رطوبت و یبوست، خشونت و ملایمت، ثقل و خفت، اما سختی و سستی، چسبندگی و نرمی و جز آن به تبع آن محسوسات حس می شوند.

حکیم اضافه می کند: درد و راحتی از درد، نیز از محسوسات لمسی هستند از این جهت لامسه با سایر حواس فرق پیدا می کند.

ابن سینا: نزدیکتر به یقین آن است که قوای لمس، قوای متعددی هستند که هر یک از آنها یک تضاد را درک می کند که در نتیجه تضادی که بین سرد و گرم ادراک کرده غیر از قوه ای باشد که تضاد میان سنگین و سبک را مدرک است.



«قوای نفس از دیدگاه ابن سینا»

نخستین قوه از قوای باطنه: ادراک حسی. در تجویف اول مغز جا داشته و ذاتاً همه صورتهایی را که در حواس پنگانه نقش می بندند به آن می رسند، پذیرا می شوند.

حس مشترک، صور گوناگونی را که توسط حواس ظاهره از محسوسات به ذهن می رسند، می پذیرد و آنها را ادراک می کند و احیاناً از حسی به حس دیگر، منتقل می کند. پس به یاری این قوه است که ما از بوی چیزی، متوجه طعم آن می شویم «پدیده فانی»

حس مشترک

بدیهی است برای اینکه ذهن به مقام ادراک حسی برسد، دخالت و یاری حافظه، همراه با تداعی معانی، ضروری خواهد بود.
-تعریف و مفاهیم تداعی معانی به شرح زیر است، هرگاه در کیفیت یا حالت نفسانی (اعم از محسوس و غیر محسوس) با هم یا در پی هم، نفس (ذهن) را عارض شوند، میان آنها طبق شرایط معین، پیوندی برقرار می شود، به وجهی که بعدها حضور یکی از آنها در نفس باعث حضور دیگری می شود.

تجسم اشباح کاذبه و احساس آوازه های غیر موجود نظایر آن را نیز به حس مشترک نسبت داده اند، این پدیده، از وجود مختلف قوه متخیله است، زیرا موضوع خارجی این گونه ادراک، ظاهر و حاضر نیست که بتوان بصورت حاصله در ذهن را عمل حس مشترک پنداشت.

دومین قوه از قوای باطنه را خیال یا مصوره خوانده اند. قوه ای است که در آخر تجویف مقدم اول دماغ قرار گرفته و صورتهایی را که حس مشترک از حواس پنجگانه قبول کرده حفظ می کند و بعد از پنهان شدن محسوسات، باز آن صور در این قوه محفوظ می ماند و باید دانست که قبول اثر با قوه ای که اثر را حفظ می کند، متفاوت است.

خیال گاهی علاوه به آنچه مستقیماً از حس ظاهر مأخوذ است، اشیاء دیگری را که از راه ترکیب و تحلیل نیروی مفکره به دست آمده نیز نگاهداری می کند.

قوه ی خیال
یا
قوه مصوره

در روانشناسی جدید خیال و متخیله را زیر عنوان کلی تخیل قرار می دهند. و تخیل را دو نوع می دانند. تخیل حضوری و تخیل اختراعی. -تخیل حضوری: تاحدودی زیاد به خیال یا قوه مصوره پیشینیان شباهت دارد. -تخیل اختراعی: صورتهای ذهنی، تصرفاتی پدیدآورده، به ترکیب یا تجزیه، افزایش یا حذف آن، مبادرت می کند.

کار این قوه این است که صورتهایی که از حس گرفته و مغیرهایی که به وهم دریافت شده به همدیگر آمیخته و پراکنده می سازد.

این قوه را اگر عقل به کار برد، قوه مفکره و اگر وهم استعمال کند، قوه متخیله نامیده می شود.

گویا این قوت، قوتی باشد خدمتگزار وهم و به میانجیگری او فرمانبرداری عقل بود.

قوه متخیله با این تعریف شباهت فراوانی به تخیل اختراعی در روانشناسی جدید دارد.

قوه متصوره
(متخیله=متفکره)

نکته: تخیل اختراعی را ریبو، روانشناس فرانسوی بر دو نوع دانسته است (قرن ۱۹)

۱- تخیل اختراعی انفعالی: همان است که واهمه به کار می بندد.

۲- تخیل اختراعی ادراکی: ترکیبات بدیع خود را به راهنمایی عقل صورت می

بخشد و اختراعات و اکتشافات علمی و مضامین بکر ادبی و آثار تازه صنعتی از

آن نتیجه می شود: قوه مفکره

*قوه متخیله شبیه تخیل اختراعی است.

تخیل اختراعی همه کیفیات نفسانی اعم از صور و معانی جزئی و کلیه و معقولات را

به کار می برد.

تخیل اختراعی یا به عبارتی قوه متخیله بر قوه های ذاکره و مصوره توجه دارد.

قوه وهم که آن را متوهمه و قوه واهمه و قوه وهمیه نیز خوانده اند.

قوه ای است که در انتهای تجویف (حفره) وسط دماغ قرار دارد.

وظیفه این قوه آن است که معانی غیر محسوسه را که در محسوسات جزئیة موجود است، درک می کند.

قوه وهم

دیگر قوه حافظه است، که ذاکره نیز نامیده می شود.

و آن قوه ای است که آنچه را قوه وهمیه از معانی غیر محسوسه در محسوسات جزئی درک کرد در این قوه حافظه می نماید.

این قوه متذکره گفته می شود و از جهت توانایی آن بر حفظ مدرکات خویش حافظه نامیده می شود و از لحاظ اینکه استعدادی است که سریعاً صور زایل شده را برمی گرداند، متذکره خوانده می شود.

روان شناسی جدید، روان را برای حفظ و ذکر همه صور و معانی، اعم از محسوس و غیر محسوس، جزئی یا کلی، مستعد می داند، یعنی آن را قادر به حفظ و ذکر معقولات نیز می پندارد.

قوه حافظه

ابن سینا جایگاه ادراک معقولات را مرتبه عقل فعال می داند.

نفس می تواند افاضات عقل فعال را بپذیرد ولی این افاضات نمی تواند در نفس باقی
بماند و حفظ شود بلکه هر دفعه باید در نتیجه اتصال نفس یا عقل فعال از نو به آن
اضافه شود.

قوه وهم
و
نفس حیوانی

یکی از قوای باطنه نفس، قوه وهم است که معانی جزئیّه را درک می کند .
مانند: تنفر گوسفند از گرگ و تمایل بره به میش

گاهی از وهم به معنی و مفهوم تصور و خیال و زمانی به معنی عقیده و
رأی غیر مسلم و احیاناً عجیب و نادرست و گاهی به تعبیر ترسی که ناشی
از گمان ناصحیح باشد، مراد شده است.

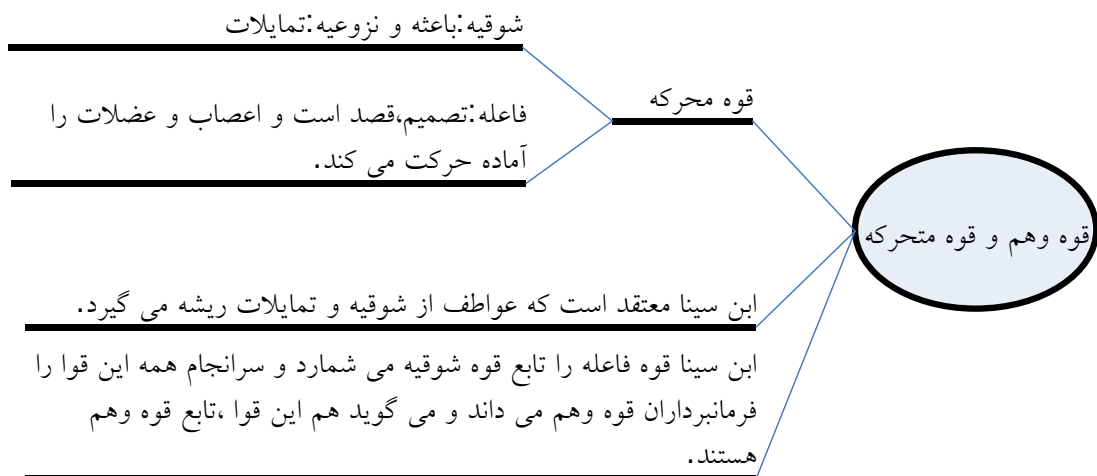
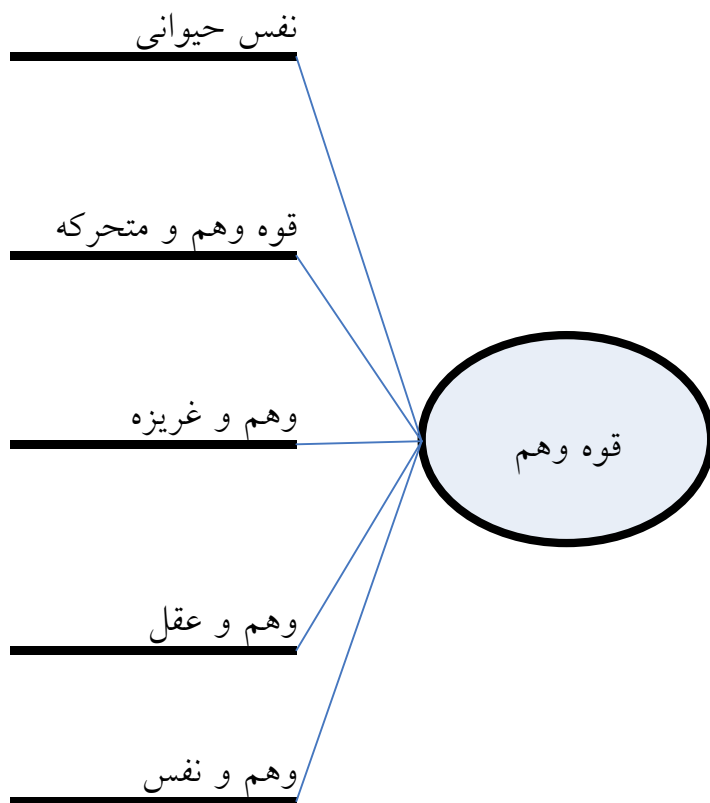
در نظریه حکیم، چیزی که بیشتر بر اشکال موضوع می افزاید، این است
وهم گاهی معنای غریزه و حتی زمانی معنای نفس را که جامع همه قوای
مدرکه و محرکه است، افاره می کند.

در زبان فارسی گاهی لفظ گمان به معنی وهم استعمال شده ولی روشن
است که این کلمه جزء کوچکی از معنی وهم را، که وسعت عجیب آن
بیان خواهد شد، می رساند.

حکیم در شفا می گوید: دیگه قوه وهمیه است و آن قوه ای است که در
نهایت تجویف اوسط دماغ می باشد و معانی غیر محسوسه را که در
محسوسات جزئیّه موجود است، درک می کند . و نزدیکتر به یقین آن است
که این قوه هم می تواند در صور متخیله ترکیب و تفصیل کند.

حکیم وهم را در ردیف سایر قوای مدرکه حیوانی آورده است، ولی در
عین حال می دانسته که بر همه آنها تسلط دارد و قوای دیگر، در واقع
خدمتگزاران آن هستند، حکیم برای وهم در حیوان، همان مقام را قائل می
شود که برای عقل در انسان.

به نظر ابن سینا ادراک حسی و تداعی معانی بر اساس مشابّهت و تضاد یا
مجاورت و با استفاده از تخیل و حافظه همه باید در کار باشند تا قوه وهم
عمل خود را انجام دهد، یعنی درک معنی کند، پس وهم بر همه این قوا
سلطنت دارد و همه تابع او هستند.



حقیقت امر این است که دایره شمول و دامنه حکمروایی این قوه تا آنجاست که حرکات غریزی را هم در بر می گیرد و به زیر فرمان می کشد. به عبارت دیگر، حرکات غریزی خدمتگزار قوه وهم هستند.

وهم و غریزه

ابن سینا در جواب این سوال که چگونه وهم بی دخالت و یاری عقل به دریافت معانی صور محسوسه نایل می شود در صورتی که آن معانی نامحسوس هستند، چنین پاسخ می دهد که وهم این کار را از راههایی انجام می دهد که یکی از این راهها استفاده وهم از غریزه است.

این تحقیقات معلوم داشت که وهم بر همه قوای نفس حیوانی اعم از مدرکه و محرکه اشراف و برتری را در وهم آن را خدمتگزارند. ابن سینا آن را بر تمامی رفتار حیوان حاکم می داند.

وهم و عقل

به زعم حکیم، این قوه در حیوان، به مثابه عقل است در آدمیان و حتی در مردم بدوی یا کسانی که قوه عقلیه خود را در استدلالها و قضاوتی خود به کار نمی گیرند - احکام صادره از نوع وهمی است و نه از نوع عقلی.

ابن سینا: نیروی وهم را بر همه قوای دماغ مستولی می داند، بدین سان را و همه مغز را آلات یان قوت می داند و تجویف اوسط را مکان ویژه آن در دماغ می پندارند.

چنین استدلال لها و به اصطلاح منطقیون، صغری-کبری چیدنھا و نتیجه گیری ها، ما را به این واقعیت رهنمون می سازد که وهم به معنی اعم خویش در واقع همان نفس است. از این رو هر جا که لفظ نفس را به کار بریم، مجاز خواهیم بود که وهم را مترادف با آن به کار گیریم.

وهم و نفس

هر جا که لفظ نفس را به کار بریم، مجاز خواهیم بود که وهم را مترادف با آن به کار گیریم. مشروط به آن که مراد ما نفس حیوانی باشد، زیرا چنانکه می دانیم نفس انسانی نیروی عقل را هم اضافه دارد و از این رو درست در مقابل وهم قرار می گیرد.

الف- این قوه خود بر دو قسم است:

1- محرکه است: به نحوی که باعث حرکت می شود: انگیزه

2- یا محرک است: به قسمی که فاعل حرکت می شود.

قوه محرکه آنجا که منشأ حرکت می شود، قوه نزوعیه یا شوقیه نیز خوانده می شود.

قوه محرکه

قوه شهوانی، به مجرد انبعاث و تحریک، به سوی امر لذیذ می گراید.

قوه محرکه

قوه غضبی: نیرویی است که به غلبه مشتاق است و امری را که خیال می کند، منافی با منافع خویش است، از خود دفع و دور می کند.

ب- قوه محرکه فاعل حرکت: قوه ای است که در اعصاب و عضلات برانگیخته می شود.

آخرین کتاب مهم ابن سینا ← اشارات

حکما از دیر زمان به این نکته توجه داشته اند که اعمال ذهن تابع یک رشته اصول و مبادی است که ذهن را به حقایق و واقعیات اشیا رهنمون و هادی می شود.

به گفته لایبنیتز: وجود این سازوکارها، برای عمل ذهن، همانا اندازه لازم هستند که وجود عضلات برای حرکت بدن و راه رفتن ضرورت دارند.

اصحاب اصالت عقل

نظریه پردازان عقل

اصحاب اصالت تجربه

عقل از نظر ابن سینا

اصحاب اصالت عقل: به وجود جوهری مستقل معتقد هستند، که مبادی اولیه یا عقلیه از آن ناشی می شوند. این مبادی اولیه شکل دهنده رفتار انسانی و تعیین کننده نقشها و افعال آدمی اند.

-تجربه مذهباین: کمابیش مخالف داشته و مبادی اولیه شناخت و فرایندهای عالی ذهنی را ناشی از حس و تجربه می دانند.

تجربه مذهباین: کمابیش مخالف داشته و مبادی اولیه شناخت و فرایندهای عالی ذهنی را ناشی از حس و تجربه می دانند.

ابن سینا عقل را بر دو گونه کلی تقسی می کند: 1-عقل نظری یا قوه عالمه و 2-عقل عملی یا قوه عامله

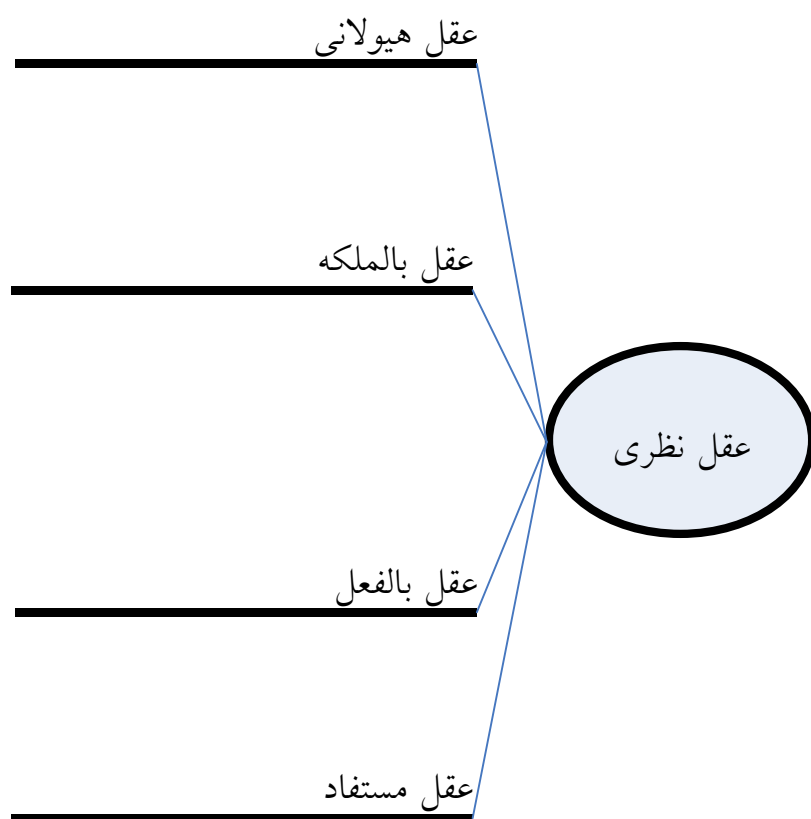
-عقل نظری: عقل علامه: قوه ای است که درک معقولات کند، یعنی نیرویی که قادر به ادراک عقلی باشد، پس صور کلیه مجرده از ماده در آن منطبق شود. عقل نظری، بالقوه به آن است که به جانب علوی و ملاً اعلی و به سوی بالا اوج گیرد تا از آن سو، از مبادی نظری و مجرد مستفیض شود.

-عقل عملی: آن است که اخلاق از آن آید و استنباط صناعات کار او باشد و هرگاه بر شهوت و غضب و دیگر قوه های بدنی چیره شود، از وی اخلاق نیکو بر آید.

حکمای قدیم: سقراط، افلاطون، ارسطو

حکمای قرون وسطی: سنت اگوستین، کندی، فارابی، ابن سینا، سنت توماس اگونیاس.

حکمای معاصر: دکارت، اسپینوزا، کانت، لایبنیتز



عقل نظری: ابن سینا بنیاد نظریه عقول چهارگانه و مسأله عقل فعال را از فارابی اقتباس کرد.

قوه عبارت است از استعدادی که در شیئی برای پذیرش صورتهای گوناگونی وجود دارد.

قوه
و
فعل

فعل دلالت دارد بر قبول و پذیرش صورت یا تبلور و تجسم آن قوه.

قوه درسیه خود به سوی فعل از سه مرتبه یا مرحله عبور می کند که عبارتند از:

1- قوه مطلقه یا هیولانی

2- قوه ممکنه

3- قوه کامله یا ملکه

عقل هیولانی: قوه و استعداد موجود در کودک برا یانکه روزی او به نویسنده ای مبدل شود از نوع قوه مطلقه یا هیولانی است. استعداد نویسندگی در کودک، پدیده ای مطلق است و هیچ بخش از آن به مرحله فعلیت نرسیده است. این استعداد تدریجاً و به میانجی تربیت صورت می پذیرد.

قوه درسیه
به سوی فعل

قوه ممکنه: هنگامی پدید می آید که همه آلات و وسایلی که برای انتقال به فعل ضروری است برای او حاصل شده باشد، مانند کودکی که قلم و مرکب و حروف الفبا را می شناسد.

قوه کامله: کودک برای انتقال به فعلیت هیچ کم ندارد و در این هنر به کمال رسیده است.

1-عقل هیولانی:عقل هنوز هیچ نقشی نپذیرفته است ولی استعداد قبول هر نقش معنوی یا هر معقولی را دارد. از این جهت آن را هیولانی می گویند که به هیولای نخستین که در ذرات خود به هیچیک از صور،مصور نیست و برای هر نوع شکل پذیری استعداد و قابلیت دارد، تشبیه شده است.

2-عقل بالملکه:عقل ممکن:آن زمانی پدید می آید که نفس ناطقه از مرحله عقل هیولانی گام فراتر نهاده از قابلیت و استعداد محض خارج شده است و به درک معقولات اولیه نایل شده است.

3-عقل بالفعل:عقل بالملکه=چون قوه هیولانی نمی توانست بالفعل چیزی را تعقل کند،از این رو،این مرتبه نفس ناطقه را عقل بالملکه گویند زیرا که معقولات اولیه و استعداد و انتقال آنها به معقولات دیگر در نفس رسوخ یافته و آن را به اصطلاح قدما ملکه شده است.

4-عقل مستفاد:آن وقتی است که نفس واقعا و فعلا به مشاهده معقولات می پردازد،نفس می داند که بالفعل به تعقل آنها اشتغال دارد. عقل نظری در این مرتبه عقل مطلق می شود،یعنی مطلق است که فعلیت یافته،چنانکه در مرتبه نخستین قوه مطلق یا قوه هیولانی بود.

عقل نظری از دیدگاه
ابن سینا

- پس هرگاه صورتهای معقول در عقل حاصل شوند و عقل آنها را تعقل کند، و بداند که بالفعل آنها را تعقل کند، چنین نیروی عقل مستفاد نامیده می شود.

غزالی

1- تحت تأثیر نظریه ارسطو و افلاطون بود - کتاب معارج القدس فی مدارج معرفه النفس

الف) نفس نباتی: کمال اول برای جسم طبیعی آلی است از آن جهت که تغذیه، نمود تولید مثل می کند.

ب) نفس حیوانی: کمال اول است برای جسم طبیعی آلی از آن جهت که مدرک جزئیات و متحرک بالاراده است.

ج) نفس انسانی: کمال او است برای جسم طبیعی آلی از جهت انجام افعالی که از روی اختیار عقلی و استنباط بالرائی و ادراک کلی صورت می گیرد.

غزالی عقیده ارسطو، که ضمن آن نفس را صورت جسم می داند، مردود می شمارد زیرا به زعم او، صورت بعد از فنای ماده پایدار نمی ماند. چون نفس ناطقه جوهری روحانی و ذاتاً مغایر با بدن است، نمی تواند صورت جسمانی داشته باشد.

غزالی می گوید: وقتی می گوییم نفس، مقصود ما آن قوه که طالب غذاست، یا آن قوه ای که محرک شهوت و غضب است، یا آن قوه ای که در قلب ساکن بوده و مولد حیات و رساننده حس و حرکت است، نیست. زیرا این امور از تظاهرات روح حیوانی است، بلکه مقصود ما از نفس، جوهر کاملی است که کاری جز تذکر و حفظ و تمیز رؤیت ندارد.

نفس از دیدگاه غزالی

*غزالی عقیده ارسطو مبنی بر صورت جسم بودن نفس را رد می کند.

*غزالی : صورت بعد از فناى ماده پایدار نمى ماند.

نفس ناطقه ⇨ جوهرى روحانى و ذاتا مغاير با بدن است و نمى تواند صورت جسمانى داشته باشند.

منظور از نفس جوهر كاملى است كه كارى جز تذكر و حفظ وتميز و رویت ندارد.

نفس جزییات را از طریق حواس پنجگانه درک می کند.

نفس کمیات را از طریق مشاعر عقلی درک می کند.

غزالی برای وجود نفس و تفاوت میان نفس و جسم به عقاید ابن سینا گرایش داشته است.

نفس از جنس بدن نیست و موصوف به صفات بدن نمى باشد.

نفس را عذابى است كه مخصوص خودش است: حسرت و درد و جدایی و خواری .

غزالی ⇨ نفس جوهرى است قائم به ذات خود.

غزالی برای اثبات وجود نفس مشهورترین دلایل ابن سینا را اقتباس کرده و نیز به ذکر یک دلیل شرعی پرداخته است.

با این بیان که شرع، نفوس را مورد خطاب قرار داده و از دنیا و عقبی وعده و عقید داده است. مجموعه خطاب های شرع به نفس انسانی، دلالت بر این دارد که نفس جوهر است.

به عنوان مثال، الم اگر چه بر بدن وارد شود، به خاطر نفس است. از این گذشته، نفس را عذابی دیگر است ویژه خود او، چون خواری، مسرت، درد و جدایی.

اما آنچه را که در اثبات نفس از ابن سینا گرفته برهان استمرار است.

رابطه نفس با بدن
«غزالی»

از براهینی که غزالی آورده است، چنین معلوم می شود که نفس جوهری است قائم به ذات خود.

غزالی می گوید، خدای تعالی انسان را از دو چیز مختلف آفریده است، یکی جسم که دستخوش کون و فساد است. یعنی مرکب است، مولف است، خاکی است و نیازمند دیگری.

دیگر نفس که جوهری است بسیط و نورانی، مدرک است و فاعل محرک است و متمم آلات و اجسام.

طبیعت نفس

(1) حدوث نفس = نفس قبل از جسم، در جسم موجود نیست. هنگامی که جسم برای قبول نفس صلاحیت یافت، خدای تعالی از عالم امر قوه ای در جسم ایجاد می کند.

قل الروح من امر ربي و روحاً من امرنا و فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

-این همان قول این سینا است که می گوید: بدن علت فاعلی نفس نیست لکن علت قابلی آن است.

حدوث نفس
و علاقه آن به بدن

(2) علاقه نفس به بدن؛ نفس در دین غریب است، زیرا بدن از عالم فانی ملک است و نفس از عالم سرمدی ملکوت. نفس مدیر بدن است بدن آلت نفس. نفس انسانی در بدن به مثابه وجود حاکمی است که در شهر و در مملکت خویش فرمان می راند.

غزالی: این جسم نسبت به نفس، چون جامه است نسبت به تن تن است که جامه را به واسطه اعضای آن حرکت می دهد. نفس هم، بدن را به واسطه قوای مخفی و مناسب به حرکت در می آورد.

(3) خلود نفس:

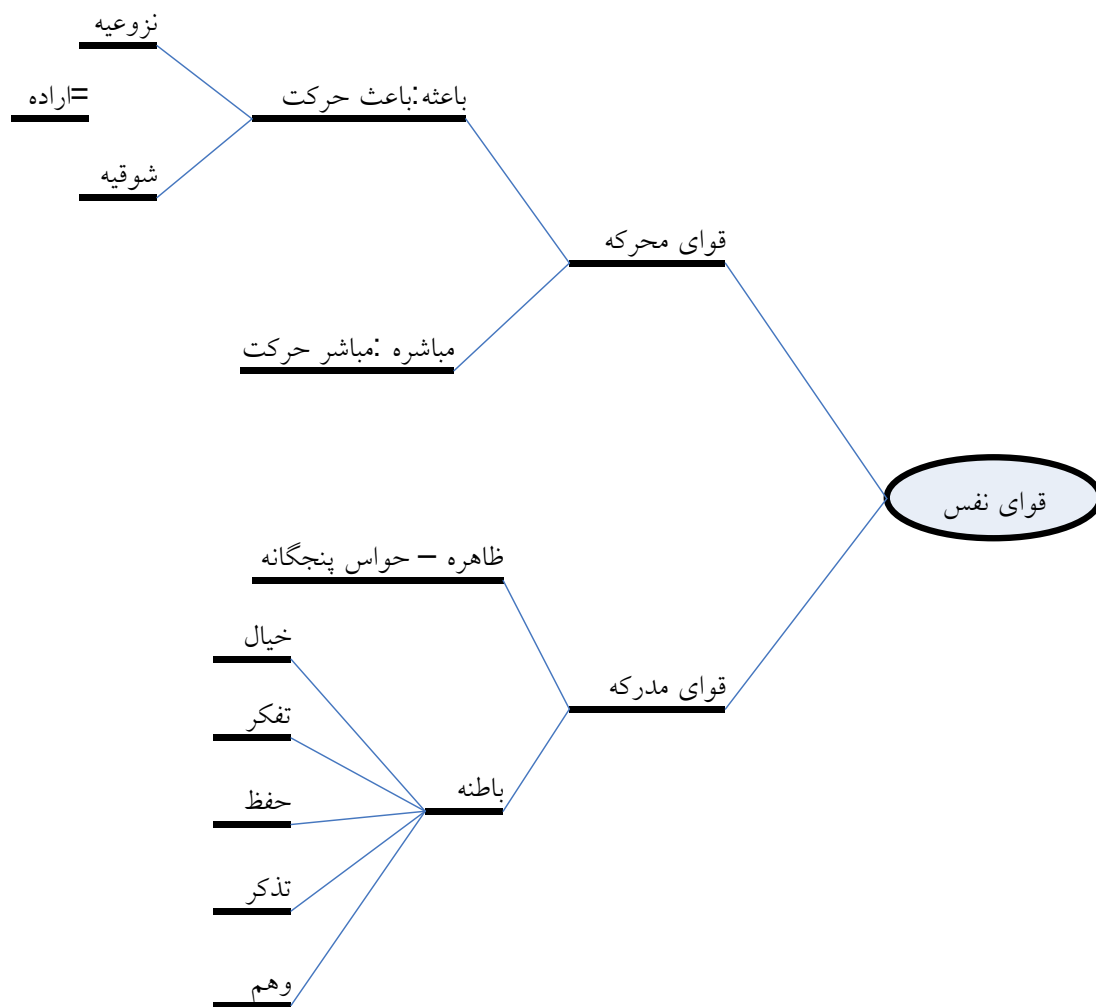
الف) نفس پذیرایی عدم نیست

ب) نفس وابسته به بدن نیست. نفس از نظر به بدن متعلق است و نه مرتبط.

ج) نفس بسیط است.

د) سرنوشت نفس

قوای نفس از دیدگاه غزالی



حس مشترک: در آن صورت چیزهایی که حواص ظاهره بدان می فرستند ترسیم می شود، آنچنانکه صورت شیئی در آینه ترسیم می شود.

خیال: به منزله خزانه حس مشترک است.

وهم: کار این قوه درک معانی جزئی است. این معنا از صور ذخیره و خزینه شده در خیال جدا شده و در مرتبه بعدی قرار می گیرند.

متفرقه: این قوه اشرف بر همه قواست، بدان سبب که گاه صورتهای خود را از خیال می گیرد و به او باز می دهد چه در خواب و چه در بیداری.

قوای مدرکه

عقل از دیدگاه غزالی



عقل از دیدگاه غزالی

عقل اسمی است که به نحو مشترک بر چهار معنیا طلاق می شود.

اول: صفتی که انسان از دیگر حیوانات به واسطه آن ممیز می شود و موجب می شود تا آدمی بر قبول علوم نظری و تدبیر اعمال فکری، آمادگی و استعداد داشته باشد.

دوم: عقل عبارت است از معلوماتی که در ذات طفل تمیز دهنده به وجود می آیند تا آنچه که روا و جایز است، رواشمارد و آنچه را که محال است، غیر ممکن بداند.

سوم: عقل عبارت است از علومی که از تجربه امور حاصل شود.

چهارم: عقل عبارت از قوه ای است که به واسطه آن عواقب کارها را بشناسند و شهواتی را که موجب لذات زودگذر است، سرکوب کنند.

مراتب عقل

غزالی آرا خود را از فارابی و ابن سینا اخذ و اقتباس کرد.

مرتبۀ پایین عقل هیولانی: قوه استعداد محض موجود در نزد طفل است.

عقل بالملکه: پس از ادراک پاره ای از معانی بدیهی و یا منقولات حاصل می شود.

عقل بالفعل: به کسب برخی از معقولات نظری می پردازد.

عقل مستفاد: سمت ریاست دارد و همه خادم او هستند.

عقل هیولانی مرحله و مرتبه ای که نفس کودک مبتدی است و در نتیجه تماس دائم با محیط خارج و عمل حس و تجربه و درک محسوسات و معانی جزئی آماده انجام اعمال عالیّه ذهن می گردد.

عقل بالملکه درک مقدمات و معلومات اولیه و آماده شدن ذهن برای دریافت معقولات ثانویه با احکام عقلی و استدلال منطقی همان مرحله عقل بالملکه می باشد.

عقل بالفعل مرحله تحصیل علوم نظری و درک معقولات. عقل بالفعل همان شعور باطن است.

عقل مستفاد (شعور ظاهره/ وجدانیات جریمه) هرگاه انوار دقت به مناسبتی نظیر مصلحت و طبق قوانین و شرایط خاص به بخشی از ذخایر (عقل بالفعل) بتابد و آنرا روشن و بالفعل را معلوم کند به آن عقل مستفاد گویند.

در نظریه معرفت: به افلاطون

- ارسطو: می گوید روح صورت بدن است، پیشتر از بدن موجود نبوده و معرفتی نیندوخته است. هرچه در این جهان است، زاده تجربه است.
- افلاطون: باور دارد که روح زمانی داخل جسد می شود که از معارف عالم مثل که پیشتر وجود داشته است، سرشار و آکنده باشد.

نظریه معرفت

غزالی فس را دارای دو جنبه می داند: جنبه ای که به سوی ملأ اعلی گرایش دارد و جنبه ای که به طرف عالم دانی و سفلی متمایل است.

علم النفس

- ۱- در آیه شریفه «وَاصْطَفَيْتُكَ لِنَفْسِي» واژه ی نفس به کدام معنی به کار رفته است؟
(الف) اشخاص (ب) انسان (ج) ذات الهی (د) ابعاد خاصی از انسان
- ۲- در کدام مسیر یا سفر، سالک به میان مردم بازگشت می کند اما بازگشتش به معنی جدا شدن و دور شدن از ذات حق نیست؟
(الف) سیر فی الخلق بالحق (ب) سفر بالحق فی الحق (ج) سفر من الخلق الی الحق (د) سیر من الحق الی الخلق بالحق
- ۳- آیه شریفه «لَا تَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا» اشاره به کدام یک از شرایط عامه تکلیف در انسان می کند؟
(الف) آزادی (ب) آگاهی (ج) توانایی (د) عقل
- ۴- در زمینه مراحل سیر عرفانی انسانهای کامل، پیامبران در کدام مرحله مبعوث شده و از انسانها دستگیری می نمایند؟
(الف) سفر از خلق به حق (ب) سفر از حق به خلق (ج) سفر از حق به حق (د) سفر از خلق به خلق
- ۵- نفس در آیه «لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا» یعنی چه؟
(الف) انسان (ب) شخص معینی (ج) ذات الهی (د) درون انسانی
- ۶- «وَنَفْسٌ مَّا سَوَّيْنَاهَا فَجُورَهَا تَقْوِيهَا» اشاره دارد به.....
(الف) اصل ثابت انسانی و خود آگاهی (ب) حیات حیوانی (ج) نفس انسانی (د) نفس تعالی نیافته
- ۷- در آیه ی «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» نفس به چه معناست؟
(الف) حیات حیوانی (ب) روان (ج) نفس تعالی نیافته (د) وجدان نفسانی
- ۸- فلاسفه مشائی قائلند که نفس:
(الف) جسمانیه الحدوث و جسمانیه البقاء است (ب) جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء است
(ج) روحانیه الحدوث و جسمانیه البقاء است (د) روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء است
- ۹- «نفس» در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»..... است.
(الف) اصل و بن (ب) درون (ج) افراد (د) طبیعت
- ۱۰- در کدام آیه ی قرآن، نفس به معنی شخص معین آمده است؟
(الف) «وَهُی رَاوِدَتْنِی عَنْ نَفْسِی» (ب) «وَمَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ»
(ج) «اللَّهُ یَتَوَفَّى الْإِنْفُسَ حِینَ مَوْتِهَا» (د) «هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»
- ۱۱- معنای «نفس» در آیه ی شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» کدام است؟
(الف) انسان (ب) حیات انسانی (ج) حیات حیوانی (د) نفس ناطقه
- ۱۲- در کدام آیه نفس به معنای «ذات الهی» آمده است؟
(الف) اِصْطَفَیْتُکَ لِنَفْسِی (ب) اللَّهُ یَتَوَفَّى الْإِنْفُسَ (ج) یَا اِیَّتِهَا النِّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ (د) وَمَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ
- ۱۳- در کدام آیه ی شریفه «نفس» به معنای انسان آمده است؟
(الف) یَحْذَرُکُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ (ب) اِنَّ النِّفْسَ لَا مَارَہَ بِالسَّوْءِ (ج) اللَّهُ یَتَوَفَّى الْإِنْفُسَ حِینَ مَوْتِهَا (د) لَا تَکْلِفُ نَفْسٌ إِلَّا وَسْعَهَا
- ۱۴- منظور از «جسمانیه الحدوث بودن نفس» چیست؟
(الف) موجودیت نفس به ماده نیاز دارد (ب) حیات نفس شروع مادی دارد
(ج) بقای نفس به ماده وابسته است (د) کمال نفس در گرو تکامل ماده است
- ۱۵- دانشمندان و فلاسفه مشاء معتقدند که نفس.....
(الف) جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء است (ب) جسمانیه الحدوث و جسمانیه البقاء است
(ج) روحانیه الحدوث و جسمانیه البقاء است (د) روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء است

۱۶- نفس در عبارت (هر نفسی مرگ را خواهد چشید) به چه معنایی است؟

الف) حیات حیوانی ب) نفس انسان ج) وجدان انسانی د) اصل اثبات انسانی

۱۷- مرحله سوم از مراحل سیر نفس از دیدگاه کندی کدام است؟

الف) فلک اعلی ب) فلک عقل ج) فلک قمر د) فلک کوکبی

۱۸- علاقه نفس به بدن از نظر کندی چگونه است؟

الف) انفعالی ب) ذاتی ج) شوق د) عارضی

۱۹- تقسیم بندی عقل به عقل بالفعل ، بالقوه ، عقلی که از قوه به فعل می رود ، عقل ظاهر از کیست؟

الف) ابن رشد ب) ابن سینا ج) کندی د) فارابی

۲۰- به عقیده کندی قوه حاشه در چه موجوداتی وجود دارد؟

الف) تنها در حیوان ب) تنها در انسان ج) در همه حیوانات د) در نباتات

۲۱- کندی قوای نفس را در کدام یک از موارد زیر معرفی کرده است؟

الف) حسی عقلی ب) مصوره و غاذیه ج) نامیه و شهویه د) غضبیه و شهوانیه

۲۲- کندی طبیعت نفس را چه می داند؟

الف) جوهری بسیط ، الهی و روحانی است ب) جوهری است بسیط اما دارای عمق

ج) طول و عرض و عمق دارد و نوری از انوار الهی است د) طول و عرض ندارد اما عمق دارد و نوری از انوار الهی است

۲۳- چه کسی عقل هیولانی را عقل ماده نامیده است؟

الف) ابن سینا ب) اسکندر افرویدیسی ج) فارابی د) لودانتک

۲۴- نفس نخستین استکمال جسم بالقوه دارای حیات است ، این تعریف از کیست؟

الف) ارسطو ب) ابن سینا ج) کندی د) فارابی

۲۵- به اعتقاد کندی ، صور که در درون نفس از قوه ی خارج می شوند و فعلیت می یابند ، چون فعلیت خود را از عقل می گیرند ، عقل نامیده می شوند.

الف) اولی ب) مستفاد ج) بالقوه د) بالفعل

۲۶- قوه مصوره در نظریه ی کندی با کدامیک از قوای مورد اعتقاد بوعلی سینا یکسان و برابر است؟

الف) مخیله ب) واهمه ج) متصرفه د) حافظه

۲۷- از نظر کندی ، علاقه و ارتباط «نفس با جسم» چگونه است؟

الف) ذاتی ب) مباین ج) ظاهری د) عارضی

۲۸- به اعتقاد کندی «قوای بزرگ نفس» کدام است؟

الف) غریزی و عقلی ب) حسی و عقلی ج) غضبی و شهوی د) شهوی و عقلی

۲۹- دو قوه بزرگی که کندی از آن نام برده است ، کدام می باشد؟

الف) مصوره و غاذیه ب) نامیه و غضبیه ج) ناطقه و مصوره د) عقلی و حسی

۳۰- از دیدگاه کندی ، قوه حاسه در کدام دسته از موجودات وجود دارد؟

الف) انسان ب) همه حیوانات ج) حیوانات دانی د) انسان و حیوانات عالی

۳۱- در نظر کندی ، نفس دارای قوای است.

الف) شهوی و غضبی ب) عقلی و شهوی ج) حسی و عقلی د) نظری و عملی

۳۲- نظریه « ما در این جهان مانند کاروانی هستیم که از پل یا معبری می گذریم و در اینجا درنگی نخواهیم داشت » از کیست؟

الف) ابن سینا ب) کندی ج) سهروردی د) فارابی

۳۳- بنا به اعتقاد کندی، زمانی که عقل را به کار می‌بریم و مورد استفاده قرار می‌دهیم، آن را عقل می‌نامند.

الف) ظاهر (ب) بالفعل (ج) فعال (د) مستفاد

روان شناسی رشد

۳۴- کدامیک از اختلالات زیر تنها از وجود یک ژن غالب است؟

الف) کره هانتینگتون (ب) سیکل سل آنیمیا (ج) فنیل کاتونوریا (د) هیموفیلیا

۳۵- در کدامیک از رویکرد های تحولی اثرات متقابل مولفه های مختلف محیط بر چگونگی رشد کودکان به تفصیل بررسی می‌شود؟

الف) بافت شناسی contextualism (ب) خبر پردازش information processing

ج) رفتار گرایی behaviorism (د) یادگیری شناختی cognitive learning

۳۶- در رویکرد های رفتاری مانند اسکینر، تغییرات رشد چگونه است؟

الف) پیوسته (ب) دوره ای (ج) کیفی (د) گسسته

۳۷- کدام یک از رویکرد های رشد به بررسی دریافت، درک و نحوه استدلال می‌پردازد؟

الف) یادگیری (ب) روانی - اجتماعی (ج) روان تحلیل گری (د) پردازش اطلاعات

۳۸- از دیدگاه پردازش اطلاعات رشد فرایندی است.

الف) ناپیوسته (ب) پیوسته (ج) مرحله ای (د) هم پیوسته و هم ناپیوسته

۳۹- کدام یک از عبارات زیر در مورد واژه «تواتر آنها» صحیح است؟

الف) هر عامل محیطی که در دوره پیش از تولد آسیب برساند (ب) هر عامل وراثتی و محیطی که در دوره قبل و بعد از تولد آسیب برساند

ج) هر عامل وراثتی و محیطی که در دوره پیش از تولد آسیب برساند (د) هر عامل محیطی که در دوره پس از تولد آسیب برساند.

۴۰- کدام یک از نظریه پردازان زیر بنیانگذار نظریه سیستم های بوم شناختی است؟

الف) کنراد لورنز (ب) تین برگن (ج) داروین (د) بروتقن برنر

۴۱- مغز نوزاد در هنگام تولد اندازه کامل مغز یک بزرگسال است.

الف) ۱/۴ (ب) ۱/۲ (ج) ۱/۳ (د) ۱/۵

۴۲- اگر نظریه ای مبتنی بر «رشد» یعنی برنامه ی سنتی مشخص استوار باشد آن را نظریه ی می‌نامیم.

الف) پردازش اطلاعات (ب) تکاملی (ج) محیط گرا (د) مرحله ای

۴۳- مطالعات کنراد لورنز به شکل گیری کدام مفهوم منجر می‌شد؟

الف) جاندار پنداری (ب) دوره های حساس رشد (ج) رشد زیستی (د) سازگاری

۴۴- در نظام بوم شناختی یا منظومه ای برانفن برنر، نوع رابطه بین والدین یک کودک و همبازی های او در کدام یک از منظومه های زیر قرار می‌گیرد؟

الف) اکزوسیستم (ب) کرونوسیستم (ج) میکروسیستم (د) مزوسیستم

۴۵- مفهوم منطقه تقریبی رشد (zone of proximal development) برخاسته از رویکرد است.

الف) تاریخی - اجتماعی (ب) تکامل نگری (ج) کردار شناسی (د) یادگیری شناختی

۴۶- مناسب ترین زمان برای ظاهر شدن توانائیهای خاص است و طی آن فرد خیلی پذیرای تأثیرات محیطی است.

الف) دوره حساس (ب) دوره انتقال (ج) دوره بحرانی (د) دوره ظهور

۴۷- دوره جنینی چه موقع آغاز و چه موقع پایان می یابد؟

الف) از هفته دوم تا هشتم حاملگی ب) از هفته نهم تا پایان حاملگی ج) از هفته ششم تا پایان حاملگی د) از هفته هفتم تا بیستم حاملگی

۴۸- کدام یک از ویژگی های زیر مربوط به مفهوم «مرحله» نیست؟

الف) توالی ثابت داشته باشید ب) ساختهای مجموعه ای داشته باشید ج) تغییرات تدریجی داشته باشد د) واجد صفت توجیدی باشید

۴۹- کدامیک از نظریه پردازان زیر بر نقش فرهنگ و تجربه اجتماعی در رشد تاکید دارد؟

الف) پیازه ب) فروید ج) ویگوتسکی د) بندورا

۵۰- اکتودرم

الف) استخوان بندی را می سازد ب) دستگاه گوارش را می سازد ج) دستگاه عصبی را می سازد د) دستگاه ادراری را می سازد

۵۱- کدام یک از مفاهیم رشدی بر گرفته از اندیشه های ژان ژاک روسو بوده است؟

الف) نفس پذیری ب) سرمشق گیری ج) رشد زیستی د) دلبستگی

۵۲- در نظام بوم شناختی یوری برانفن برنر (Urie Bronfenbrenner) برنامه انعطاف پذیر کاری والدین امکان رسیدگی بیشتر به نیازهای کودکان آن ها را فراهم میکند.

این امتیاز در کدام بخش از نظام های چهارگانه او قرار می گیرد؟

الف) ریز سیستم ب) میان سیستم ج) کلان سیستم د) برون سیستم

۵۳- پژوهش های کانرد لورنز (Konrad Lorenz) و نیکوتین برگن (Niko Tinbergen) عمدتاً به پیدایش کدام مفهوم انجامید؟

الف) اصل دو سویه ب) پدیدایی نوعی ج) حوزه تقریبی رشد د) دوره های حیاتی

۵۴- دستیابی یک نوجوان به امکاناتی چون کتابخانه، پارک تفریحی و کلوپ های ورزشی در اطراف محل زندگی در کدام یک از سیستم ها یا منظومه ها قرار می گیرد؟

الف) مزو سیستم (میان نظام) ب) اگزو سیستم (برون نظام) ج) میکرو سیستم (ریز نظام) د) ماکرو سیستم (کلان نظام)

۵۵- بنا به نظریه برونفن برنر ویژگی زیر تعریف کدام نوع سیستم است:

موقعیتهای اجتماعی که فرد در حال رشد را شامل نمی شود، اما بر تجربه او تاثیر دارد.

الف) ریز سیستم ب) میان سیستم ج) برون سیستم د) کلان سیستم

۵۶- در کدامیک از نظریه های زیر رشد به صورت ناپیوسته در نظر گرفته می شود؟

الف) رفتار گرایی ب) پردازش اطلاعات ج) نظریه ویگوتسکی د) روانکاوی

۵۷- کدامیک از بازتابهای نوزاد دائمی است و ناپدید نمی شود؟

الف) مکیدن ب) مورو ج) بابینسکی د) گام برداری

۵۸- کدام یک از موارد زیر یک اختلال کروموزومی است؟

الف) نشانگان مارفان ب) تائ ساکس ج) هموفیلی د) کره هانتینگتون

۵۹- کدام عبارت در مورد نظریه های (مرحله ای) در رشد صادق است؟

الف) الگوی رشد به فرهنگ وابسته است ب) برنامه زیستی رشد قابل پیش بینی است

ج) الگوی رشد وابسته به محیط است د) برنامه زیستی رشد به هدف رشد وابسته است.

۶۰- کدام یک از گزینه های زیر در مورد دوره های حساس رشد صادق است؟

- الف) بحران حاصل از آن غیر قابل جبران است (ب) هنوز توافق کامل در این زمینه به وجود نیامده است
ج) این دوره ها مخصوص بعضی از موجودات است (د) دوره های حساس رشد در نتیجه تحقیقات فروید شکل گرفت

۶۱- در کدام رویکرد تعامل چند گانه و متقابل اجزاء محیط به شخصیت فرد شکل می دهند؟

- الف) تکامل نگر (evolutionary) (ب) بوم شناختی (ecological)
ج) روان تحلیل گری (psychoanalytic) (د) خبر پرداز (information processing)

۶۲- روان شناسی رشد مفهوم سکو سازی (scaffolding) را عمدتاً در ارتباط با کدام مورد به کار برده اند؟

- الف) حافظه (ب) ادراک (ج) یاد گیری (د) انگیزش

۶۳- کدامیک از عبارات زیر با دیدگاه جان لاک همخوان است؟

- الف) تکرار نقشی در یاد گیری رفتار ندارد (ب) محیط ذهن را شکل می دهد
ج) تنبیه می تواند تداعی های مطلوب ایجاد کند (د) آموزش کودک نیاز به قواعد ندارد.

۶۴- ژان ژاک روسو کدامیک از دیدگاه های زیر را محور خود قرار داد؟

- الف) طبیعت گرا (ب) محیط گرایی (ج) کارکرد گرایی (د) اراده گرایی

روان شناسی تربیتی

۶۵- آزوئل یاد گیری را با شمول توجیه می کند.

- الف) همبستگی و فراموشی را با شمول اشتقاقی (ب) همبستگی و فراموشی را با شمول زوالی
ج) زوالی و اشتقاقی و فراموشی را با شمول همبستگی (د) همبستگی و اشتقاقی و فراموشی را با شمول زوالی

۶۶- معلمی پس از آموزش روش محاسبه مساحت دایره چند مسئله به دانش آموزان خود می دهد تا از طریق حل کردن آنها طرز محاسبه مساحت دایره را یاد بگیرند. این نوع

یاد گیری در نظریه آزوئل چه نام دارد؟

- الف) شمول زوالی (ب) شمول اشتقاقی (ج) شمول همبستگی (د) یاد گیری مجاورتی

۶۷- بهتر است معلم هدف های درسی خود را بر حسب کدام مورد بنویسد؟

- الف) موضوعات درسی (ب) فعالیتهای آموزشی خود (ج) فعالیتهای یاد گیری یاد گیرندگان (د) تغییرات حاصل در رفتار یاد گیرندگان

۶۸- وقتی می گوئیم مطلبی را یاد گرفته ایم که آن را:

- الف) به صورت معنی دار در آوریم (ب) به حافظه دراز مدت انتقال دهیم (ج) به اندازه کافی تمرین کنیم (د) وارد حافظه کوتاه مدت سازیم

۶۹- یکی از مزایای نظریه یاد گیری معنی دار آزوئل است که این نظریه:

- الف) از سایر نظریه های یاد گیری قابل فهم تر است (ب) پاداش و تقویت را بسیار زیاد مورد تاکید قرار داده است
ج) مستقیماً با مواد آزمایشگاهی و یاد گیری انسان سرو کار دارد. (د) یاد گیری اکتشافی را بیشتر از سایر یاد گیریها مورد توجه قرار داده است

۷۰- معلمی پس از آموزش روش محاسبه مساحت دایره چند مسئله به دانش آموزان خود می دهد تا از طریق حل کردن آنها طرز محاسبه مساحت دایره را یاد بگیرند. این نوع

یاد گیری در نظریه آزوئل چه نام دارد؟

- الف) شمول زوالی (ب) شمول اشتقاقی (ج) شمول همبستگی (د) یاد گیری مجاورتی

۷۱- روش علمی چیست؟

الف) روش ذهنی است ب) روش حله مساله ج) کارکرد حواس است د) مشاهده و آزمایش است

۷۲- تغییر در رفتار یعنی:

الف) تغییر آنچه قابل مشاهده است ب) تغییر آنچه فرد آموخته است

ج) تغییر عادات، مهارتها، نگرشها د) تغییر برخورد فرد با موقعیت

۷۳- کدام یک از هدفهای زیر هدف رفتاری نیست؟

الف) یادگیرنده اطلاعات موجود در درس را بازگو کند ب) یادگیرنده بتواند قانون شکست نور را درک کند

ج) یادگیرنده مقاله ای در باره مسائل اجتماعی بنویسد د) یادگیرنده همه سوال های معلم را درست جواب دهد

۷۴- هدف های آموزشی عمدتاً برخواسته از چه هستند؟

الف) دانش آموز، جامعه، موضوع درس ب) دانش آموز، دیدگاه معلمان، نیازهای زمان و مکان

ج) فرهنگ، دانش آموز، نیازهای مکان و زمان د) موضوع درس، دیدگاه معلمان، دانش آموزان

۷۵- یادگیری از راه بینش به کدام مورد مربوط است؟

الف) تداعی اندیشه های مناسب ب) تداعی بین یادگیریهای قبلی و فعلی

ج) کاربرد آموخته های قبلی از راه کوشش و خط د) کشف روابط میان مطالب

۷۶- در نظریه یادگیری معنی دار، عامل انگیزش موثر برای یادگیری چیست؟

الف) پاداش و تنبیه ب) تعادل جویی ج) سائق شناختی د) نیاز

۷۷- برای اینکه به دانش آموز بیاموزید که "هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد" چه شیوه ای و چه یادگیری را بکار می گیرید؟

الف) سبک بینش ب) شرطی سازی سطح بالاتر ج) یادگیری تعمیم د) یادگیری تمیز

۷۸- کدام یک از گزینه های زیر در مورد روش اکتشافی در یادگیری درست است؟

الف) برای یادگیرندگان باهوش ملال آور است ب) حافظه را گسترش می دهد

ج) دستیابی به بینش را تسهیل می کند د) رقابت را از بین میبرد

۷۹- روانشناسی تربیتی جدید شاگردان را بر اساس کدام روش موجه تر می داند؟

الف) آزاد گذار ب) خود رهبری ج) مقتدرانه د) مختلط

۸۰- کدام نوع یادگیری را یادگیری بدون پوشش می نامند؟

الف) اجتماعی بندورا ب) ارتباطی توراندایک ج) شرطی سازی گاتری د) عامل اسکینر

۸۱- بی اف اسکینر در پژوهش معروف خود درباره طراحی آزمایش رفتار کنشگر (عامل) در یکی از مراحل آزمایش، تقویت کننده را حذف می کند. طرح آزمایشی ABAB

وی این کار را به این خاطر انجام می دهد که:

الف) جاندار قدری استراحت کند و دچار «نوروز آزمایشگاهی» نشود ب) روشن شود که افزایش رفتار صرفاً ناشی از حضور عامل تقویت کننده است

ج) موجب شود که فراوانی رفتار از حالت خط پایه تجاوز کند و بیشتر شود د) نوع فزاینده رفتار را تغییر دهد و تقویت کننده دیگری برگزیند

۸۲- کدام تعریف برای یادگیری درست ترین تعریف است؟

- الف) کسب اطلاعات و بینش های تازه در یاد گیرنده بر اثر تجربه (ب) ایجاد تغییرات در رفتار یاد گیرنده بر اثر تمرین و تکرار
ج) ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یاد گیرنده بر اثر تجربه و تقویت (د) ایجاد تغییرات کمابیش دائمی در رفتار یاد گیرنده بر اثر تجربه

۸۳- زمانی می توان گفت که دانش آموز به یادگیری در حد تسلط رسیده است که :

- الف) از زمان داده شده به طور کامل استفاده کند (ب) از وسایل آموزشی و کمک آموزشی به طور کامل استفاده کند
ج) به سطح قابل قبولی از عملکرد دست پیدا کند (د) بتواند مهارت کسب کند

۸۴- کدام روان شناسی معتقد است که انواع یادگیری از یک پیوستگی سلسه مراتبی تبعیت می کند؟

- الف) آزویل (ب) اسکینر (ج) برونر (د) گانیه

۸۵- روش رفتار سازی بر اساس تقریبهای پی در پی مربوط به کدام نظریه است؟

- الف) نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (ب) نظریه شرطی سازی عملکرد یا کنشگر
ج) نظریه درون سازی پیازه (د) نظریه بازتاب شناسی پاولف

۸۶- بنا به نظر آزویل مهمترین عامل موثر در یادگیری مطالب جدید چیست؟

- الف) عوامل و شرایط موثر یادگیری (ب) فعالیت های یاد گیرنده
ج) ساخت های شناختی یاد گیرنده (د) میل رغبت یاد گیرنده

۸۷- معلم در جریان تدریس با استفاده از تدابیر آموزشی باید برای افزایش سطح برانگیختگی دانش آموزان اقدام کند. این برانگیختگی در چه سطحی از انگیزتگی مطلوب است؟

- الف) بالا (ب) پائین (ج) شدید (د) متوسط

۸۸- اگر یادگیری در هر مرحله از آموزش به دقت آگاهانه نیاز داشته و توام با کل نگری و ادراک باشد ، چه نوع یادگیری است ؟

- الف) اجتماعی (ب) تداعی (ج) شناختی (د) گشتالتی

۸۹- نظریه پردازان گشتالت مشکل رابطه بین جسم و ذهن را با کدام یک از مفاهیم زیر حل کرده اند؟

- الف) هم ریختی (ب) جابجایی (ج) شباهت (د) شکل و زمینه

۹۰- روش آموزش بارش مغزی کدام یک از ویژگیهای فکری زیر را پرورش می دهد؟

- الف) سیالی (ب) انعطاف پذیری (ج) ابداع (د) اصالت

۹۱- کدام یک از قوانین سازمان ادراکی روانشناسی گشتالت با قانون تقویت در نظریه های رفتاری شبیه است؟

- الف) ادامه خوب (ب) بستن یا ترمیم (ج) شباهت (د) مجاورت

۹۲- تغییریری را محصول یادگیری خوانند که چگونه باشد؟

- الف) ناشی از تجربه و نسبتاً ثابت (ب) دارای پایه ارثی (ج) مبتنی بر غریزه (د) ناشی از بلوغ

۹۳- آلبرت بندورا در تمایز بین یادگیری و عملکرد از کدام روانشناس بیشتر تاثیر پذیرفته است؟

- الف) اسکینر (ب) گشتالت (ج) ثراندایک (د) تولمن

۹۴- از دیدگاه روانشناسی تربیتی :

الف) تغییر رفتار بدون آموزش غیر ممکن است ب) یادگیری پایه هر گونه تربیت است

ج) یادگیری تابع آموزش است د) خانه، تنها تعیین کننده رفتار است

روانشناسی عمومی

۹۵- بر طبق نظریه فروید، ارضای سابق پرخاشگری موجب چه اتفاقی می شود؟

الف) کاهش پرخاشگری ب) افزایش پرخاشگری ج) حفظ پرخاشگری در یک سطح د) تاثیری در پرخاشگری ندارد

۹۶- تنظیم دما به وسیله کدام قسمت از مغز صورت می گیرد؟

الف) منطقه پیشانی در هیپوتالاموس ب) منطقه خلفی در هیپوتالاموس

ج) منطقه میانی در هیپوتالاموس د) منطقه پیشانی تالاموس

۹۷- تحلیل تبدیلی توسط چه کسی مطرح شد؟

الف) ماهرلر ب) هورنای ج) مورینو د) اریک برن

۹۸- ایستگاه تقویت اطلاعات حسی کدام یک از موارد زیر است؟

الف) مخچه ب) تالاموس ج) هیپوتالاموس د) دستگاه کناری (لیمبیک)

۹۹- کدامیک از موارد زیر در مورد هسته مرکزی بصل النخاع صحیح است؟

الف) ناظر بر تنفس و بازتابهای وضعی بدن است ب) مربوط به هماهنگی حرکتی است

ج) مربوط به هیجان ها و حفظ تعادل زیستی است د) حالت بیداری و برانگیختگی را در کنترل دارد

۱۰۰- این مطلب که فرآیند های روانی را می توان به نوعی عملیات محاسبه تشبیه کرد و به علاوه فعالیت ذهنی قابل تحلیل در سطوح مختلف است، از مفاهیم بنیادی کدام علم

است؟

الف) عصب نگری شناختی ب) روانشناسی تکاملی ج) روانشناسی فرهنگ نگر د) شناخت نگر

۱۰۱- این تعریف مربوط به کدام یک از موارد زیر است: « زنجیره فطری و از پیش تعیین شده رشد یا تغییرات بدنی که به طور نسبی از محیط هستند»؟

الف) رشد ب) سرشت ج) تربیت د) دلبستگی

۱۰۲- در همان هفته اول زندگی، در نوزادان به تفاوت های فردی در سطح فعالیت، پاسخ گویی به تغییرات محیط و تحریک پذیری بر می خوریم. این ویژگی ها را چه می نامند؟

الف) دلبستگی ایمن ب) دلبستگی نا ایمن ج) خلق و خو د) هیچ کدام

۱۰۳- کدام دیدگاه بر تجارب درونی و شخصی تاکید دارد؟

الف) روان شناسی شناختی ب) روان شناسی زیست شناختی ج) روان شناسی پدیدار شناختی د) روان شناسی تجربی

۱۰۴- کدام دیدگاه در روان شناسی معروف به نیروی سوم است؟

الف) روانکاوی ب) رفتارگرایی ج) روان شناسی شناختی د) پدیدار شناختی

۱۰۵- کدام یک از دیدگاه های زیر تاکید بر فرآیند های شناختی را کنار گذارده و از روان شناسی موضوع هشیاری را حذف کرد؟

الف) دیدگاه زیست شناختی ب) دیدگاه روانکاوی ج) دیدگاه رفتاری د) دیدگاه اصالت وجود

۱۰۶- بر طبق دیدگاه روانکاوی، علت فراموشی یا یادزدودگی دوران کودکی چیست؟

- الف) عدم رشد سیستم عصبی و تکامل آن (ب) به خاطر ماهیت آزارنده و ناراحت کننده تجارب مربوطه
ج) عدم رشد عصبی و تکاملی کلامی (د) به طور کلی قبل از سه سالگی، حافظه توانایی ثبت کامل اطلاعات را ندارد

۱۰۷- روش آماری تحلیل عامل Factor Analysis توسط کدام یک از دیدگاه های زیر در بررسی رفتار انسان به کار برده می شود؟

- الف) یادگیری اجتماعی (ب) رفتاری (ج) صفت (د) روانی-اجتماعی

۱۰۸- کدام یک از دیدگاه های زیر با فرآیند های هوشمندانه سروکار داشته و علاوه بر روان شناسی از سایر رشته ها مثل هوش مصنوعی، زبان شناسی و... استفاده می کند؟

- الف) روان شناسی شناختی (ب) علم شناخت نگر (ج) روان شناسی فرهنگ نگر (د) همه موارد

۱۰۹- کدام یک از موارد زیر از شاخص های گرایش مرکزی نیست؟

- الف) میانه (ب) نما (ج) انحراف معیار (د) میانگین

۱۱۰- سبب دو جانبه یا جبر تقابلی در کدام رویکرد مطرح می شود؟

- الف) شناختی (ب) رفتاری (ج) دیدگاه اجتماعی (د) یادگیری اجتماعی

۱۱۱- نظریه سازه های شخصی توسط چه کسی مطرح شده است؟

- الف) بک (ب) جورج کلی (ج) الیس (د) فروید

۱۱۲- درمان اخلاقی moral therapy توسط چه کسی بنیان گذارده شد؟

- الف) بقراط (ب) پینل (ج) کراپلین (د) راجرز

۱۱۳- زمانی که مراجع احساسات مثبت یا منفی خود را نسبت به والدین یا افراد مهم زندگی به درمانگر منعکس کرده و به وی نشان می دهد، چه پدیده ای در درمان رخ داده

است؟

- الف) انتقال متقابل (ب) انتقال (ج) مقاومت (د) بینش

۱۱۴- افسردگی به علت وجود تحریفات شناختی از طرف فرد است، این اصطلاح «تحریفات شناختی» توسط چه کسی مطرح شد؟

- الف) الیس (ب) بک (ج) برن (د) کلی

روانشناسی مرضی

۱۱۵- کدام یک از نظریه پردازان معتقد بود که مفهوم بیماری روانی «افسانه ای» است که جامعه مدرن آن را خلق کرده است و متخصصان سلامت روانی آن را عملی می کنند؟

- الف) توماس ساز (ب) روزنهان (ج) سلیگمن (د) آیزنگ

۱۱۶- این نظریه پرداز اظهار داشت که بهتر است توصیف کسانی که نمی توانند با هنجار های جامعه بسازند بگویم که آنها در مشکلات در زندگی کردن دارند؟

- الف) توماس ساز (ب) دیوید روزنهان (ج) سلیگمن (د) آیزنگ

۱۱۷- «آشفته گی در روابط صمیمانه» مربوط به کدام علت های نابهنجاری محسوب می شود؟

- الف) زیستی (ب) روانی (ج) اجتماعی-فرهنگی (د) شناختی

۱۱۸- کدام نظریه پرداز بر خلاف نظریه بقراط اعتقاد دارد که آشفته گی های هیجانی می تواند به مشکلات روانی منجر شود؟

- الف) اسکلیپادوس (ب) کلودیوس گالن (ج) یوهان ویر (د) اسکات

۱۱۹- اساس مدل علمی رفتار نابهنجار تحت تاثیر نظریه کدام نظریه پرداز می باشد؟

- الف) بقراط-سقراط (ب) اسکات-بقراط (ج) بقراط-گالن (د) بقراط-ویر

۱۲۰- کدام یک از نظریه پردازان زیر روش او به درمان اخلاقی شهرت یافته است؟

الف) اسکات (ب) فیلیپ پنیل (ج) ویلیام آتوک (د) بنجامین راش

۱۲۱- «صندلی آرام بخش» و «چاه درمانی» از روش درمانی کدام یک از افراد زیر می باشد؟

الف) پنیل (ب) توک (ج) گیلفورد (د) بنجامین راش

۱۲۲- کدام نظریه پرداز در رابطه با رفتار ناهنجار به جای تسخیر روح بر نقش مغز تاکید کرد؟

الف) پنیل (ب) توک (ج) کرائپلین (د) گریزینگر

۱۲۳- این نظریه پرداز آشفته گیهای روانی و جسمانی حاصل عدم تعادل این مایع مغناطیسی هستند که «مغناطیسم» حیوانی نامیده است؟

الف) پنیل (ب) مسمر (ج) برید (د) شادکو

۱۲۴- این نظریه پرداز معتقد است که هیپنوتیزم پذیری در واقع نشانه اختلال عصبی است و فقط کسانی را می توان هیپنوتیزم درمان کرد که دچار این اختلال باشند؟

الف) پنیل (ب) شادکو (ج) ماری برنهایم (د) جیمز برید

۱۲۵- در این روش تحقیق پژوهشگران کودکانی را بررسی کرده اند که والدین مبتلا به اختلال های روانی آنها را به فرزند پذیرفته اند ، ولی والدین تنی شان از لحاظ روانی سالم هستند؟

الف) تحقیق فرزند خواندگی (ب) نقشه برداری ژنتیکی (ج) تحقیق پرورش متقابل (د) شاخصهای زیستی

۱۲۶- این اختلال انواع جلوه های شور انگیز پریشانی -مانند لرزیدن -گریه کردن و فریاد کشیدن غیر قابل کنترل را در واکنش به رویداد زندگی ناراحت کننده مرتبط با خانواده را شامل می شود؟

الف) آموک (ب) دات (ج) (د)

۱۲۷- «جریان افکاری که مبهم ، نامتمرکز و غیر منطقی است» نمونه های از کدام نوع اختلال فکر می باشد؟

الف) واپاشی تداعی ها (ب) تفکر غیر منطقی (ج) انسداد فکر (د) تفکر صوتی

۱۲۸- درمانجویی که شیر دوست دارد ، تصور می کند باید تا اندازه ای گریه باشد ، زیرا می داند که گریه ها شیر دوست دارند « این موضوع بیانگر چه نوع اختلال فکر می باشد؟

الف) واپاشی تداعی ها (ب) تفکر غیر منطقی (ج) انسداد فکر (د) تفکر صوتی

۱۲۹- وقتی از مردی سوال کردند که چرا اینقدر زود از خواب بیدار شده است ، پاسخ داد: زنگ ساعت ، بوی جوراب و چاه موجود نبود.

الف) پژواک گویی (ب) گسستگی (ج) تفکر صوتی (د) انسداد فکر

۱۳۰- به تجربه خود تغییر یافته اشاره دارد ، مانند این احساس که بدن شخص به ذهنش متصل نیست . این موضوع بیانگر کدام یک از ارزیابی های زیر می باشد؟

الف) سر درگمی هویت (ب) مسخ شخصیت (ج) انگیزش (د) بینش و قضاوت

۱۳۱- مردی معتقد است کارت اعتباری که به عدد فرد ختم می شود برای او بد شانسی می آورد . این عقاید گویای کدام یک از مفاهیم زیر می باشد؟

الف) تفکر جادویی (ب) عقاید بیش بها داده (ج) هذیانها (د) توهم ها

۱۳۲- خانمی اعتقاد دارد که هر وقت لباسهایش را به خشک شویی می برد ، روز بعد یک فاجعه طبیعی در دنیا اتفاق می افتد ، این موضوع بیانگر کدام یک از مفاهیم زیر می باشد؟

الف) اندیشه پردازی خشن (ب) تفکر جادویی (ج) عقاید بیش بها داده (د) هذیانها

۱۳۳- هوشبهر انحرافی را چه کسی ابداع کرد؟

الف) بنیه (ب) ترمن (ج) وکسلر (د) بنیه -سیمون

۱۳۴- دامنه وسیعی از فنون را در بر می گیرد که به کمک آنها درباره عملکرد روانی اطلاعات قابل نمره گذاری جمع آوری شود؟

الف) ارزیابی (ب) روان آزمایی (ج) مصاحبه بالینی (د) مصاحبه ساخت دار